

Exploring the Experience of "Faithful Suffering" in Female Pilgrimage (Case Study: Pilgrimage to Imam Hussein (AS) on Arbaeen)

Zahra Abyar¹, Seyed Mustafa Tabatabaey²

¹ Assistant Professor, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran
(Corresponding author). abyar.z114@gmail.com

² PhD in Islamic History, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
dr.tabatabaey@gmail.com

Abstract

"Female pilgrimage" is a distinct type of pilgrimage that is shaped by environmental and cultural elements, reasons for action by the actors, functions, harms, outcomes, applications, and so forth. The experience of women in "faithful suffering" during the pilgrimage to holy shrines, such as the Arbaeen pilgrimage, is a complex process that can be examined through a phenomenological approach. This approach is based on the assumption that experience can be represented through direct interaction with the world and its phenomena. Given the significance of this issue, this study investigates the lived experience of faithful suffering among 13 female pilgrims through interviews. In this representation, after analyzing the codes, 136 descriptive codes from meaningful units were obtained, which, after merging, resulted in 16 interpretive codes and 3 explanatory codes. "Conceptual re-creation of faithful suffering" emerged within the context of codes such as "breaking routines, being noticed, meaning-making, desirable suffering, chosen suffering, and belief in the future"; "practical declaration of religious beliefs" within codes like "resilience, reward, forgiveness, self-reassessment, spiritual growth, and attaining perfection"; and the explanatory code "reconstruction of the historical experience of sacred suffering" within interpretive codes such as "empathy, participation in suffering, incomparability, and paying homage."

Keywords: Faithful suffering, Female pilgrimage, Arbaeen pilgrimage, Imam Hussein(AS), Religious beliefs.

Received: 2023-04-04 ; Revised: 2023-05-22 ; Accepted: 2023-07-01 ; Published online: 2023-09-23

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



واکاوی تجربه «رنج مؤمنانه» در زیارت زاننه (مورد مطالعه زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین)

زهرا آبیاری^۱، سید مصطفی طباطبایی^۲

^۱ استادیار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). abyar.z114@gmail.com
^۲ دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. dr.tabatabaey@gmail.com

چکیده

«زیارت زاننه» سنخ خاصی از زیارت است که به واسطه عناصر محیطی و فرهنگی، دلایل انجام کنش توسط کنشگران، کارکردها، آسیب‌ها، پیامدها، کاربست و... مورد توجه قرار می‌گیرد. تجربه زنان از «رنج مؤمنانه» در سفر پیاده‌روی به عتبات عالیات، مانند سفر پیاده‌روی اربعین، به واسطه تجربه‌های شخصی و اجتماعی، یک فرایند پیچیده است که می‌توان آن را با رویکرد پدیدارشناسی بررسی کرد. این رویکرد بر این فرض استوار است که تجربه را از طریق تعامل مستقیم با دنیا و پدیدارهای آن می‌توان بازنمایی کرد. نظر به اهمیت این مسئله، در پژوهش حاضر از طریق مصاحبه با ۱۳ نفر از زائران زن، تجربه زیسته آنان از رنج مؤمنانه واکاوی شد. در این بازنمایی پس از تجزیه و تحلیل کدها، ۱۳۶ کد توصیفی از واحدهای معنادار به دست آمد که پس از تلفیق آن‌ها، ۱۶ کد تفسیری و ۳ کد تبیینی بر ساخته شد. «بازآفرینی مفهومی رنج مؤمنانه» در بستر کدهای «شکستن روزمرگی‌ها، نظر کردگی، معنابخشی، رنج خواستنی، رنج منتخب، باورمندی به آینده»، «اعلان عملی به باورهای مذهبی» در کدهای «عرصه تاب‌آوری، پاداش‌مندی، بخشودگی، بازسجی خود، رشد معنوی، رسیدن به کمال»، و کد تبیینی «بازسازی تجربه تاریخی رنج مقدس» در کدهای تفسیری «هم‌ذات‌پنداری، مشارکت در رنج، قیاس‌ناپذیری، ادای دین» بر ساخته شد.

واژه‌های کلیدی: رنج مؤمنانه، زیارت زاننه، پیاده‌روی اربعین، امام حسین (ع)، عقاید مذهبی.

استاد به این مقاله: آبیاری، زهرا؛ طباطبایی، سید مصطفی (۱۴۰۲). واکاوی تجربه «رنج مؤمنانه» در زیارت زاننه (مورد مطالعه زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین). مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۷(۲)، ص ۴۵-۷۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

https://gnoe.bou.ac.ir/

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.





۱. مقدمه

زیارت تا دهه ۱۹۷۰ کم‌تر مورد توجه انسان‌شناسان بوده است؛ به طوری که بسیاری از گزارش‌های مردم‌نگارانه که بر محور یک زیارتگاه و معتقدان به آن زیارتگاه قرار دارند، متناسب با گرایش انسان‌شناسی سنتی به اجتماعات کوچک در منطقه جغرافیایی خاص متمرکز است (Bowie, 2006, p. 320). مطالعات اخیر نیز به تجارب شخصی زائر در مسیر زیارت (Frey, 1998)، یا نقش زیارتگاه در نگاهداشت هویت ملی در غربت پرداخته‌اند (Tweed, 1997). اُبه‌یه‌سه‌کر^۱ (2014) در مطالعات موردی روانشناختی خود در میان زنان مرتاض در زیارتگاه کارتاراماگا^۲ در سریلانکا، رویکرد کمتر مرسوم را برگزیده است. علاقه اصلی او بر نقش نمادین موهای ژولیده زنان و ارتباط آن با داستان زندگی ایشان است. انسان‌شناسی برای پرداختن به تجارب شخصی ابزارهای اندکی در اختیار دارد و از این لحاظ، زیارت به منزله تظاهری از یک سفر جسمانی، روحانی و عاطفی و نیز به منزله تکاپوی تغییر، شفا، یا معاشرت، چالش ویژه‌ای را در مقابل انسان‌شناسی قرار می‌دهد (Bowie, 2006, p. 324).

زیارت در زندگی ایرانیان - به‌عنوان افرادی که همواره دیندار بوده‌اند - حضور داشته که با ورود اسلام به ایران با محتوایی تازه اما به‌طور گسترده در فرهنگ ایرانی حفظ شده است. به تعبیر نصر، در اسلام بینش و تفکر شیعی ورای این عالم وسیع و شگفت‌آور صورت‌های مقدس متعدد، یک حق یگانه را می‌بیند (نصر، ۱۳۸۶، ص ۲۹). در این بینش، انسان هبوط کرده در جستجوی معنا و بازگشت به خلوص اولیه خود است. زیارت تجلیات امر قدسی، انسان کامل و امام به‌نوعی اتصال و نزدیکی به مبدأ و منشأ نور است (همان، ص ۳۵۴). اسلام به زیارت تأکید فراوانی می‌کند؛ ولی مسئله گرامیداشت بزرگان، اولیای الهی، آرامگاه‌ها و اماکن مقدس، نه‌تنها در دین مبین اسلام، بلکه از گذشته دور و در غالب ادیان توحیدی وجود داشته است، فقط شکل، اماکن و اشخاص آن فرقی کرده است. آنچنان‌که زیارت در اسلام با آنچه مسیحیان همیشه داشته‌اند، متفاوت است. در دیگر ادیان واژه زیارت معمولاً تداعی‌کننده زائرانی است که به مقصد زیارتگاه‌های مقدس در سراسر دنیا به سفرهای دور و دراز و دشواری می‌رفته‌اند. دین و ذهنیات نیز، بیشتر بر مفاهیم و باورهایی که از زیارت‌های قرون وسطی در اذهان مانده، نشأت می‌گیرد؛ حتی با دقت در کلمه زیارت نیز، می‌توان به تفکر قرون وسطایی که در آن نهفته، پی برد (تیموتی و السن، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

زیارت واژه‌ای عربی است که استفاده از آن در زبان فارسی با همین ماده و شکل معمول است. زیارت به معنای به دیدار کسی رفتن (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۱۳)، یا حضور در یکی از مشاهد مقدس (امین، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص ۱۰۶) تعبیر شده است. از نگاه جامعه‌شناسی دین، زیارت در بردارنده شیوه‌های

1. Obeyesekere
2. Kataragama



ارسالی یک ارتباط نمادین از انسان با زبان گفتاری، نوشتاری و جسمانی است که آموزش و ارتباطات را آسان، میراث فرهنگی را محافظت و ادب عامیانه را بر ملا می‌سازد (کوئن، ۱۳۹۵، ص ۵۷)؛ به تعبیری «مسافرت کردن و تجسم یک آرمان که با یکدیگر تلاقی می‌کنند» (Morinis, 1992, p. 3). یا می‌توان گفت «زیارت سفری است که یک شخص در جست‌وجوی حالتی انجام می‌دهد که معتقد است، در بردارنده آرمانی ارزشی است. در مرسوم‌ترین حالت، پایان زیارت، زیارتگاهی است که در نقطه جغرافیای ثابتی قرار گرفته است. این مکان شهرتی به دست آورده است که زائران را به سوی خود جذب می‌کند» (Morinis, 1992, p. 4).

همچنین زیارت نوعی کنش دینی محسوب می‌شود که درون خود، جلوه‌هایی از هر سه بُعد دینداری فرد را (اعتقادات، باورهای دینی، اعمال دینی، عواطف و تجربه دینی) به نمایش می‌گذارد (پویافر، ۱۳۹۸، ص ۱۴). زیارتگاه‌ها به‌عنوان یکی از عناصر دینی، اجتماعی و فرهنگی یک قوم یا ملت به‌شمار می‌روند که پیامدهای گوناگونی را برای جامعه دارند. این اماکن جای بروز رفتارهای فرهنگی ویژه به خود نیز هستند (قبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱).

زیارت زنان یا به تعبیری «زیارت زنانه» زیارتی است که زائران با ویژگی‌ها، نیازها، مناسک و روش‌های زنانه انجام می‌دهند. این نوع از زیارت، هویتی مستقل در زیارت با فرهنگ زیارتی ویژه در کنار فرزندان، دوستان و آشنایان را رقم می‌زند؛ هرچند وجود چنین عنوانی به‌قصد تفکیک جنسیتی مدنظر نیست، لیکن تنها دلیل نام بردن از «زیارت زنانه»، بیان یک سنخ خاصی از زیارت است که به‌واسطه عناصر محیطی، فرهنگی، دلایل انجام کنش توسط کنشگران، کارکردها، آسیب‌ها، پیامدها، کاربست و... مورد توجه قرار می‌گیرد و امروزه نیز این نوع زیارت بیش‌ازپیش مورد استقبال و فزونی از سوی قشر زنان واقع شده است.

پیاده‌روی اربعین یک مراسم مذهبی و معنوی است که هر ساله میلیون‌ها نفر، از جمله زنان، به سمت کربلا در عراق سفر می‌کنند. برای زنانی که در این سفر شرکت می‌کنند، این تجربه می‌تواند یک فرصت برای بازیابی هویت و نزدیک‌تر شدن به اعتقادات و ارزش‌های خود باشد. زنان می‌توانند با مطالعه و بررسی عمیق‌تر درباره معانی و مفاهیم مذهبی مراسم اربعین، هویت خود را بازیابی کنند. درک عمیق‌تر از اعتقادات و معتقدات مذهبی می‌تواند، احساس ارتباط بیشتر با دین و هویت مذهبی را به همراه داشته باشد. در این بین، عوامل متعددی باعث می‌شود که یک سفر زیارتی دارای رنج و سختی‌هایی باشد. سختی و خطر به جای اینکه زائر را دلسرد کند، می‌تواند بر شهرت زیارتگاه بیفزاید و اعتبار زیارت آن را بالا ببرد. جیمز پرستون^۱ بیان می‌کند، علی‌رغم خطرهای سفر به زیارتگاه شیوایی آمارنات کشمیر که در ارتفاع ۱۲۷۲۵ فوتی بالای دریا قرار گرفته است، این نقطه، همچنان زائران را به خود جذب می‌کند؛ به

1. James Preston



طور مثال، در سال ۱۹۲۸ بیش از پانصد نفر برای رسیدن به این زیارتگاه در انتهای مسیر مردند و در سال ۱۹۷۰ نیز، تعداد ۱۸ نفر در کولاک کشته شدند (Preston, 2015, p. 35)؛ بنابراین، توجه به سختی‌های سفر یکی از موضوعات انسان‌شناسی دین محسوب می‌شود که همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. نظر به اهمیت این مسئله، پژوهش حاضر درصدد است تا به واکاوی تجربه زنانه از در پیاده‌روی اربعین بپردازد؛ البته با وجود مطالعات متعدد در زمینه تجربه زائران زن از پیاده‌روی اربعین، این مسئله به صورت خاص بازنمایی نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

اثنی‌عشران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی انسان‌شناسی پدیده زیارت زنانه (مطالعه موردی امامزاده محسن بن موسی بن جعفر)»، نشان داد که پدیده زیارت زنانه نوعی خاص از کنش مذهبی است که عوامل محیطی، فرهنگی و بنیادهای نظری بیش‌ازپیش این کنش را تحت تأثیر قرار می‌دهند و منجر به شکل خاصی از زیارت زنانه می‌شود. همچنین زائران زن نه‌تنها از افق مذهب به این پدیده می‌نگرند، بلکه از افق سیاحت و گذران اوقات فراغت از آن بهره می‌گیرند.

رضوی‌زاده (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق»، سه مضمون «تجربه تعلیق امر مادی»، «رنج مقدس به‌مثابه مولد معنا» و «برانگیزاندگی عاطفی مناسب جمعی زیارت» را شناسایی کرد.

کریمی قهی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «فهم تجربه پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین»، نشان داد که زن زائر با پنج مضمون ملال روزمره و رهایی از دل‌زدگی‌های زندگی مدرن، لذت رنج مقدس و خودخواسته، حافظه تاریخی جنگ و سیالیّت معنای بدن، از سوژگی زنانه در تاریخ تا گذر از ابژگی روزمره و اشراق معنوی زائر و تغییر رفتار از خودخواهانه و عادت به دگرخواهانه، در فرایند سوژگی زنانه به ساخت خود فردی خود در قالب فردیتی چندپاره می‌پردازد. زن زائر با شبیه‌سازی تجربه خود در راهپیمایی اربعین با رویداد مصیبت‌بار عاشورا و وقایع پس از آن، در فرایند دوگانه ساخت شکنی/ ساخت دوباره خود، با بازاندیشی انتقادی از استریو تیپ‌های جنسیتی برساخت شده در گفتمان رسمی جامعه ایرانی، خود زنانه‌اش را در قالب تصویر سوژه‌ای فعال بازمی‌نمایاند.

فرخی و انگوتی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین»، ضمن مصاحبه با زائران زن، مضامینی شامل «مهدویت و آخرالزمان»، «مضامین تربیتی و اخلاقی»، «مضامین تبلیغی»، «مضامین فرهنگی» و «مضامین مذهبی و دینی» را شناسایی کردند. برخی از مشارکت‌کنندگان دلیل حضور خود را معرفی امام زمان (عج) به مردم جهان می‌دانند و برخی دیگر بر این باورند که پیاده‌روی اربعین به خودسازی کمک می‌کند. عده‌ای از زنان مشارکت‌کننده نیز برای گرفتن حاجت‌های خود اقدام به پیاده‌روی می‌کنند.



پژوهش‌های مرتبط دیگری با موضوع اربعین وجود دارند، که هرچند اشاره‌ای به سختی سفر نکرده‌اند، ولی از نظر پیاده‌روی و ثبت تجربه زیسته بدان اشاره می‌شود. از جمله پژوهش تاج‌بخش (۱۳۹۹) با عنوان «پیاده‌روی اربعین و معنایابی کنش زیارت زائران جوان»؛ غفاری هسجین و آقایی (۱۳۹۷) با عنوان «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»؛ فروغی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «مطالعه کیفی انگیزه‌های زائران ایرانی شرکت‌کننده در آیین پیاده‌روی زیارت اربعین». در میان پژوهش‌های فوق تنها پژوهش رضوی‌زاده (۱۳۹۶) و کرمی قهپی (۱۳۹۹) به صورت جزئی به سختی سفر در قالب کدهای استخراجی اشاره نموده‌اند. از این رو وجه تمایز پژوهش حاضر با موارد مشابه در این است که به صورت موردی و خاص، سختی سفر مورد واکاوی قرار گرفته و این تجربه بر ساخته می‌شود.

۳. چارچوب مفهومی

زیارت قصد، میل و اراده به سوی مظهر و تجلیات امر قدسی است (براق علی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۴). همچنین زیارت سفری در جستجوی یک تجربه بوده که بر زندگی معنوی و روانی فرد تأثیر می‌گذارد (فولادی و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۱۰) و زائران کسانی هستند که به دنبال تکامل و روشنی با قطب‌نمای روحشان از سرزمین‌های غریب به سوی هدفشان حرکت می‌کنند (همان، ۲۹). الیاده^۱ معتقد است که با تقلیل پدیده‌های مذهبی به واقعیت‌های اجتماعی یا روان‌شناختی، نمی‌توان این پدیده‌ها را فهمید و پدیده‌های مذهبی را باید به همان صورت بازشناخت، که خود را در تجربه انسان‌ها از امر مقدس نشان می‌دهد. لذا، هر پدیده مذهبی (چون زیارت) بیانی از این تجربه و امر مقدس است، که قابل تقلیل نیست (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۱۵). واخ^۲ نیز دین و تجربه دینی را یک تجربه قدسی می‌داند (واخ، ۱۳۸۹، ص ۳۱) و برگر اجرای مناسک (از جمله زیارت) را در ارتباط نزدیک با تکرار الگوهای مقدس به حساب می‌آورد که بار دیگر نام‌ها و کارهای خدایان را احضار می‌کند (برگر، ۱۳۹۷، ص ۸۱). از این رو، افراد به زیارت چهره‌های علمی و معنوی می‌روند، یا زائر اماکن عالیه و مشاهد مشرفه می‌شوند، تا از اعتبار، قدسیت و... بهره‌مند گردند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۰، ص ۵۹). علاوه بر این، جنبه اصلی زیارت زائران مفهوم مقدس است و زیارت نقش مهمی در جستجوی افراد برای این معنی تلقی می‌شود (ورشوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

در اندیشه اسلامی نیز امر قدسی و زیارت جایگاه ویژه‌ای دارد. برای انسان دیندار در هر عصری برخی از زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت و متمایزند؛ یعنی همچنان که یک فرد مثل دیگران است، با مبعوث شدن به رسالت، واجب‌الاطاعه می‌شود و موقعیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. همانطور که یک قطعه زمین با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن پیامبر یا ولی خدا دفن می‌شود، به واسطه آن، شرافت، فضیلت و برکتی پیدا

1. Mircea Eliade

2. Jachim Wach



می‌کند که از قبل نداشته است؛ از این رو احترامش لازم و اهانتش حرام می‌گردد (امین، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). در نتیجه زیارت آن مکان مقدس و قدم نهادن در مسیر آن، مصداقی از احترام به آن ذات مقدس است. نظر به اینکه زیارت امری مشترک بین زنان و مردان است، مختصات زنانگی در کنار این کنش، اهمیت آن را دوچندان می‌کند. درحقیقت، زیارت زنانه به مجموعه اعمال و رفتاری گفته می‌شود که در ارتباط با باورها و عقاید مذهبی در قالب انجام مراسم و آیین‌های خاصی انجام یا در ایام ویژه‌ای تکرار می‌گردد؛ حتی ممکن است در مکان ویژه‌ای مثل امام‌زاده واقع شود که به نوعی جماعت‌واره^۱ شبیه است؛ همان بیانی که ترنر^۲ نقطه کانونی تجربه زیارت می‌داند و زیارت را به یک پدیده آستانه‌ای بدل می‌کند. وی برای روشن کردن حوزه مفهومی خود، ابتدا با مطالعه کارکردگرایانه شبکه خویشاوندی مادر سری^۳ در میان اقوام مورد مطالعه‌اش، مجموعه تحلیل‌هایی از تأثیرات شگرف آرای دینی بومی جوامع مادرگرا^۴ و جوامعی که در آن زن و فرزندان واحدهای اجتماعی مسلط هستند، به عاریه گرفت. او سه مفهوم «جدایی»^۵، «حاشیه‌نشینی یا آستانه‌ای»^۶ و «پیوند»^۷ را در انواع آیین‌ها بیان نمود. از نگاه او زیارت نوعی آیین به‌شمار می‌رود؛ زیرا در آن کنشگران و مشارکت‌کنندگان از موقعیت اختصاصی و نقش‌های سلسله مراتبی خود پراکنده شده و به مساوات در تجربه‌ای همانند (مثل زیارت زنانه) شریک می‌گردند (گیویان، ۱۳۹۰، ص ۷۹-۸۰). در واقع کنشگران در زمان زیارت، همان‌طور که مردم در هنگام وقوع موقعیت‌های خطیر زندگی از ساختارهای اجتماعی و نقش‌های زندگی روزمره کنده می‌شوند و درمی‌گذرند، زائران نیز در هنگام زیارت از قیدوبندهای ساختارمند و زمان‌مند، به یک مساوات و درک تجربه مشترک دست پیدا می‌کنند (همان). کنش پیاده‌روی اربعین و حضور گسترده ایرانیان در چند سال اخیر، این رویداد را به جزئی از عناصر هویتی ایرانیان تبدیل کرده است. در این بین، بعد دشواری این سفر و حضور زنان در آن، مطالعه جامعه‌شناختی سبک زیارت زنان و معنادهی آنان به این رخداد را در کنار نقش‌های زنانگی، حائز اهمیت کرده است.

۴. روش پژوهش

در این مطالعه از شیوه پدیدارشناسی^۸ که از انواع روش‌های کیفی است (ایمان، ۱۳۹۴، ص ۶)، استفاده شده است. «تحقیق پدیدارشناسانه به تفهم ذات‌ها و ماهیت‌ها معطوف است نه تبیین متغیرها و

1. Communitas
2. Turner
3. Matrilineal kinship
4. Matrifocal
5. Separation
6. Liminality or marginality
7. Aggregation
8. Phenomenology



روابط علی بین آن‌ها. این نوع تبیین بر پیش فرض وجود اختلال در واقعیت‌ها یا نیاز به اصلاح آن‌ها استوار نبوده [است، بلکه] می‌تواند به هر نوع تجربه‌ای بپردازد» (همان). مهم‌ترین فن تحلیل داده در این روش، روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ (۱۹۷۸) است (همان). با وجود اختلاف همه این فن‌ها در مراحل، نوعی همگرایی مشابهی جهت تبیین تحقیق یافت می‌شود. محقق در این پژوهش، نظر به اینکه پارادایم تفسیری را پیش‌رو دارد، از فن هفت مرحله‌ای کلایزی با ابزار مطالعه و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۷) بهره برده است. بدین جهت، با روش نمونه‌گیری هدفمند برای شناسایی افرادی که در سفر اربعین نوع خاصی از سختی را تجربه کرده بودند، تعداد ۱۳ نفر از دختران و زنان انتخاب شدند و در فرایند مصاحبه انفرادی و همچنین بهره‌گیری از گروه کانونی^۲، داده‌ها به دست آمد.

نحوه استخراج کدها بدین صورت بود که ابتدا متن به دست آمده از مصاحبه‌ها با دقت مورد مطالعه قرار گرفت، تا محقق بتواند فهم کامل و جامعی از تجارب، احساسات و اظهارات کنشگران جوان در پدیده مورد مطالعه را به دست آورد. در مرحله دوم، جملات و واحدهای معنادار مرتبط با سختی سفر، استخراج شد. در سومین گام، تلاش شد تا معانی هر جمله مقوله‌بندی شود.

در مورد قابلیت اعتماد این پژوهش از شیوه‌های سه سویه‌سازی چون گفتگوهای فردی و پژوهش‌های همسو مدد گرفته شد. قابلیت اطمینان سخنان و مصاحبه‌ها نیز از طریق ارجاع داده‌ها به اساتید متخصص انجام گرفت. بنابراین، متن داده‌های مکتوب، پس از خوانش‌های مکرر مقوله‌بندی و پس از دسته‌بندی کردن و تلفیق کدهای تکراری، با تشکیل دسته‌های جدید ۱۳۶ کد توصیفی^۳ استخراج شد. سپس تمامی این کدها در قالب یک توصیف بسیار مفصل از پدیده مورد مطالعه، تحت کدهای تفسیری^۴ گردآوری شد. کدهای تفسیری شامل معانی است که به کدهای توصیفی داده می‌شود، و پس از تلفیق آن‌ها ۱۶ کد تفسیری به دست آمد. در آخرین مرحله، کدهای تفسیری به ۳ کد تبیینی^۵ تقلیل یافت.

۵. یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های کیفی نشان داد که کنشگران و زنان، تجربه خود از سختی سفر را در قالب معنای خاصی بازگو و توصیف می‌کنند. سه کد تبیینی «بازآفرینی مفهومی رنج مؤثانه»، «بازسازی تجربه تاریخی رنج مقدس» و «اعلام عملی به باورهای مذهبی» این سختی‌ها را برساخته می‌کند. این کدها با زیر کدهای خود در جدول شماره (۱) آمده است:

1. Collaizi
2. Focus Group
3. Descriptive cod
4. Interpretive cods
5. Explanator cod



جدول ۱- کدهای توصیفی، تفسیری و تبیینی «رنج مؤمنانه» در زیارت زنانه

ردیف	کدهای توصیفی	کدهای تفسیری	کدهای تبیینی
۱	رهایی از زندگی روزمره و عادی؛ تغییر عادت‌ها؛ متفاوت دیدن زندگی بعد از پیاده‌روی؛ کنار گذاشتن عادت‌ها یعنی رنج؛ پیاده رفتن به هر قیمت، حتی با رنج و سختی.	شکستن روزمرگی‌ها	
۲	حس لیاقت داشتن؛ احساس خوشبختی برای رفتن به سفر؛ حس نگاه کردن از طرف امام حسین(ع)؛ حس بی‌لیاقتی داشتن در صورت نرسیدن به ضریح.	نظرکردگی	
۳	رنج لذت‌بخش؛ شیرینی درد سفر؛ شیرین بودن سختی سفر؛ لذت بخشی رنج سفر؛ لذت‌بخشی سفر با سختی؛ ارزشمندی سفر؛ دل‌چسپی سفر با سختی‌ها؛ لذت‌بخشی رنج؛ رنج به‌مثابه عشق؛ ارزشمندی سفر اربعین و نادیده گرفتن رنج آن؛ خوشحالی ناشی از وجود رنج در سفر؛ دل‌نشین بودن سفر با سختی؛ پیوستگی رنج و زندگی.	مغنابتختی	بازآفرینی مفهوم «رنج مؤمنانه»
۴	پذیرش رنج؛ آگاهی از رنج؛ پذیرش رنج به بهانه عشق؛ قبول سختی سفر؛ پذیرش رنج عمومی؛ گله نکردن از دردها؛ پرهیز از شکایت؛ بی‌ارزشی سختی؛ بی‌اهمیتی سختی؛ انتظار سختی را کشیدن؛ آمادگی پذیرش رنج؛ ناراحتی ناشی از نبود رنج؛ به جان خریدن رنج؛ توجه به رنج‌ها مانعی برای بهره بردن از سفر؛ بی‌توجهی به رنج‌ها؛ قبول سختی سفر.	رنج خواستنی	
۵	به صورت مختار خواستن درد و رنج کودکان کربلا؛ تحمل رنج بر خود؛ چشیدن اختیاری درد به خود؛ تحمل سختی بر خود در سفر؛ تجربه آگاهانه درد در سفر؛ ماندگاری درد دوست داشتنی؛ انتخاب تجربه رنج سفر؛ ارتقا به مقام عبداللہی؛ «باید»ی دیدن رنج.	رنج منتخب	
۶	زندگی حضوری با امام در مسیر سفر؛ پیاده‌روی اربعین زندگی در ظهور؛ آمادگی برای خدمت‌رسانی برای ظهور؛ تحمل سختی‌ها با عشق امام حسین(ع)؛ تحمل سختی نذر امام زمان؛ رمزایشی دیدن پیاده‌روی اربعین؛ آمادگی برای ظهور.	باورمندی به آینده	
۷	افزایش صبر خود و اطرافیان به‌وسیله تحمل سختی سفر؛ افزایش ظرفیت؛ آسان شدن رنج‌های روحی و جسمی عادی؛ بالا رفتن سطح وجودی؛ شکایت از رنج، یعنی کوچک بودن و عدم رشد؛ گله از سختی سفر و عذاب وجدان تطلیبیده شدن در سفرهای بعدی.	عرصه تاب‌آوری	
۸	رسیدن به حرم، حداقل پاداش سختی‌های سفر؛ پاداش‌مندی سختی‌ها؛ مشمول رحم الهی قرار گرفتن جهت تحمل سختی‌ها؛ تحمل رنج، یعنی جهانی شدن عشق به امام؛ آرامش، پاداشی برای سختی‌ها سفر.	پاداش‌مندی	اعلان عملی به
۹	رفتن به سفر به‌مثابه بخشیده شدن؛ تحمل رنج، یعنی بخشیده شدن؛ ارتباط قبولی زیارت افراد با سختی سفر.	بخشودگی	باورهای مذهبی
۱۰	افزایش خودباوری؛ ثابت کردن خود به خود؛ تحمل سختی برای باور به توانمندی خود؛ پذیرش سختی برای خودشناسی؛ سختی کشیدن برای خودشناسی؛ سنجش میزان در صحنه بودن خود.	بازسنجی خود	
۱۱	اربعین فرصتی برای تعالی خواسته‌ها؛ اربعین فرصت بالا کشیدن خود؛ بزرگ شدن «من» معنوی؛ بزرگ‌تر دیدن رنج سفر نسبت به منفعت شخصی خود؛ تحمل سختی برای خوب شدن؛ خودسنجی پای آرمان‌ها؛ رشد معنوی در زندگی؛ رشد معنوی در سفر؛ حرکت به سمت بالا؛ لذت پیاده‌روی.	رشد معنوی	



ردیف	کدهای توصیفی	کدهای تفسیری	کدهای تبیینی
۱۲	پذیرش با جان‌ودل سختی‌ها برای رسیدن به کمال؛ بزرگ نکردن سختی‌های سفر برای رسیدن به کمال؛ بی‌نیاز از زیارت فیزیکی و رسیدن به مقام بندگی؛ رسیدن به هدف؛ رنج وسیله دستیابی به اهداف؛ بزرگ دیدن هدف در مقابل سختی‌ها؛ کمک به هدایت دیگری؛ دعا برای قرین حرمت قرار گرفتن هدایت نایافته‌ها؛ دعا برای راه نایافته‌ها.	رسیدن به کمال	
۱۳	تداعی‌گری عاشورا؛ یادکردن از یتیم‌های کربلا در مقابل توجه به کودکان در سفر؛ یادآوری درد و رنج کاروان اسرا؛ یادآوری سختی‌های حضرت زینب؛ تکرار مدام رویدادهای کربلا؛ روضه بودن سختی سفر؛ تجسم روضه‌ها؛ یادآوری درد و رنج کودکان کربلا.	هم‌ذات پنداری	
۱۴	هم‌قدم شدن با حضرت زینب و رقیه؛ شبیه شدن به اهل‌بیت؛ همقدم و همراه شدن با اهل‌بیت؛ همدلی و همراهی خواستی با امام؛ درک روضه‌ها؛ درک مصیبت اعظم؛ سختی اربعین یعنی همدردی؛ رنج وسیله همراهی با اهل‌بیت؛ کسب معرفت در سفر با رنج؛ سختی سفر یعنی چشیدن سختی‌های اهل‌بیت؛ همراهی با روضه‌ها برای تحمل سختی‌ها؛ نحوه درک تحمل امام بر مصائب.	مشارکت در رنج	بازسازی تجربه تاریخی
۱۵	قیاس‌ناپذیری سختی سفر با سختی اهل‌بیت؛ قیاس‌ناپذیری سختی خود با سختی حضرت زینب؛ تحمل از دست دادن جنین در مقایسه با سختی‌ها امام حسین(ع)؛ حس شرمندگی در مقابل مصائب امام حسین؛ درک ناپذیری اصل سفر؛ مستوری سفر اربعین به علت عظمت و سنگینی مصائب؛ وجود تعادل الهی نسبت به واقعیت سفر اربعین؛ بی‌اهمیتی به سختی‌ها در مقایسه با زیارت‌های سخت بزرگان در گذشته؛ حقیر دیدن سختی‌ها.	قیاس‌مندی	رنج مقدس
۱۶	ادای حق و احساس دین به امام حسین، سختی سفر به‌مثابه ادای دین؛ حساب‌و‌کتاب با امام حسین؛ قبول سختی به‌مثابه خدمت به امام حسین؛ اربعین عرصه‌ای برای خدمت‌رسانی؛ انجام هر کاری برای فردی بزرگ.	ادای دین	

۵-۱. بازآفرینی مفهومی «رنج مؤمنانه»

زائران ایرانی از کشور خود تا مرزهای زمینی عراق یا مرز هوایی نجف، ده‌ها، صدها و بعضاً چند هزار کیلومتر را عموماً با خودرو یا هواپیما می‌پیمایند. در زیارت ویژه اربعین بیشتر زائران علاوه بر مسیر فوق، بخش چشمگیری از مسیر نجف تا کربلا را- مسیری حداقل به طول ۸۰ کیلومتر- با پای پیاده طی می‌کنند. البته ایرانیان به زیارت مکان‌های مقدس به‌ویژه مزارهای پیشوایان و فرزندان آن‌ها علاقه‌مندند و چنین زیارتگاه‌هایی در سراسر ایران وجود دارد، در نتیجه «مسیر مقدس» پدیده‌چندان شناخته شده‌ای در ایران نیست. «پیاده پیمودن» این مسیر نیز به‌طور جمعی عمومیت چندانی ندارد و کم‌تر از یک دهه است که به‌عنوان فعالیت و مناسکی مذهبی به‌طور عمومی و جمعی بازشناسی و از آن استقبال شده است.

هرچند کشور عراق با زیرساخت‌های ضعیف و تخریب شده، بی‌ثباتی سیاسی، امکانات میزبانی ناچیز و مردمانی فقیر مواجه است؛ از سوی دیگر سفر پیاده، سفری دشوار و رنج‌آلود است؛ اما با این حال، زائران ایرانی که سفر پیاده در مسیر مقدس را گویی به‌تازگی کشف کرده‌اند، برای این سفر چندان



معانی عظیم برساخته‌اند که تاب‌آوری رنج آن، این سفر را موجه و بلکه دلپذیر می‌کند. از دیدگاه زائران، رنج این سفر حامل معانی «نظرکردگی»، «معنابخشی»، «رنج خواستنی»، «رنج منتخب» و «شکستن روزمرگی‌ها» است.

«نظرکردگی» در سفر، معنایی است که کنشگران زن آن را به معنایی دیگری چون «لیاقت داشتن»، «انتخاب شدن برای سختی» و «نگاه کردن امام» برای تحمل آن تفسیر می‌کنند. به‌نحوی که هرگونه بازماندگی از مسیر نیز در همین راستا تفسیر می‌شود؛ چنانچه زائری که به علت فراهم نشدن شرایط گذر از مرز، نتوانسته بود در اربعین و پیاده‌روی آن شرکت کند، این «نرسیدن»‌ها را ناشی از «نخواستن» و «نظرناکردگی» امام می‌دانست. صحبت‌های زائران و معادل کدگذاری نظرکردگی از نگاه آنان، در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول ۲- کدهای تفسیری «نظرکردگی»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
رنج زیارتی	حس لیاقت داشتن / احساس خوشبختی برای رفتن به سفر	بار اول در پیاده‌روی اربعین- ۱۰ کیلومتری کربلا- من غیرارادی گریه کردم. ۱۰ کیلومتر گریه می‌کردم و می‌گفتم من خیلی خوشبختم. خیلی آدم بالیاقتی از نظر اهل بیت هستم، که این مسیر رو توانستم بروم.
	حس نگاه کردن از طرف امام حسین(ع)	به من قطعاً، برای انجام سفر اربعین نگاه کردند.
	حس انتخاب‌شدگی	در تمام مسیر، بابت هر سختی این را به خودم می‌گفتم که حتماً من را، برای آمدن به اینجا و تحمل این سختی‌ها انتخاب کرده‌اند؛ وگرنه چه چیزی غیر از این می‌توانست من را آرام کند.
	حس بی‌لیاقتی داشتن در صورت نرسیدن به ضریح	در سفر قبلی چون صفاها طولانی بود، نتوانستم نزدیک ضریح بروم. دلم خون شده بود. حس می‌کردم لیاقت نداشتم که کنار ضریح بروم.

رنج در معنایی دیگر به «رها شدن از زندگی روزمره» تا «کنار گذاشتن عادت‌ها» تفسیر می‌شود؛ بدین معنی که رنج و سختی تنها در مسیر سفر و دست‌وپنجه نرم کردن با دشواری‌هایی چون بیماری، یا از دست دادن فرزند برای مادر باردار نیست؛ بلکه جدا شدن از زندگی عادی خود مصداقی از رنج است که زائر را برای سفری دوباره و تجربه‌ای دیگر از همین جنس، به انتظاری معنادار سوق می‌دهد. این کد تفسیری در جدول شماره (۳) در کنار واحد‌های معنادار آمده است.



جدول ۳- کدهای تفسیری «شکستن روزمرگی‌ها»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
شکستن روزمرگی‌ها	رهایی از زندگی روزمره و عادی	همین که آدم از خانه و زندگی خودش که آسایش دارد، خارج می‌شود، این خودش رنج است؛ یعنی رنج سفر.
	تغییر عادت‌ها	من عادت دارم به فلان چیز و تأمین این عادت خواسته من است. آنجا (اربعین) عادت‌ها و خواسته‌های من تغییر می‌کند.
	رها شدن از روزمرگی	وقتی در شهر خود باشی، تلفن همراه ۲۴ ساعت یا نصف شبانه‌روز در دست افراد است؛ ولی آنجا اصلاً گویی برای هیچ‌کس مهم نیست؛ بلکه تنها برای دعا خواندن، عکس گرفتن و روضه گوش دادن، از آن استفاده می‌شود.
	منفاوت دیدن زندگی بعد از پیاده‌روی	آنقدر حس خوب در این راه هست که وقتی فرد برمی‌گردد، حس می‌کند، زندگی‌اش شکل دیگری شده است؛ یعنی یک حس خیلی خوب را وقتی برگردد، تجربه می‌کند. او حس می‌کند یک روزمرگی اتفاق افتاده است؛ به طوری که برای بازگشت به این مسیر لحظه‌شماری می‌کند تا برود و دوباره آن حس را تجربه کند.
	کنار گذاشتن عادت‌ها یعنی رنج	همین که عادت‌های زندگی کنار گذاشته می‌شود، خودش یک رنج است؛ مثلاً زائران یک روز گرسنگی می‌کشند، یا چند روز حمام نمی‌روند، در خیابان می‌خوانند، یا پیاده‌روی در یک روز خیلی زیاد می‌شود، مریض می‌گردد و پاهایش تاول می‌زند ...
	پیاده رفتن به هر قیمت رنج و سختی	من به خاطر پیاده‌روی آمده بودم، گفتم یا می‌روم، یا آنقدر می‌مانم تا جنازه‌ام را برگردانند.

یکی از معانی مدنظر در تجربه زنان از سفر زیارتی اربعین «رنج خواستنی» است؛ یعنی پذیرش رنج و آگاهی از وجود این سختی‌هاست. این خواستن رنج، نه تنها در این سفر، بلکه در سفرهای مؤمنان در سراسر جهان وجود دارد. وجود این سختی‌ها با تفسیری عاشقانه از آن در همه مسیر همراه است؛ به تعبیری، «سختی و خطر به جای اینکه زائرین را دل‌سرد کند، می‌تواند بر شهرت یک زیارتگاه بیفزاید و اعتبار زیارت آن را بالا ببرد» (Bowie, 2006, p. 325). مثلاً زیارت در ایرلند همچنان چالش‌های خاص خود را دارد. امروزه از آن جهت که مواضع صلیب^۱ در جزیره رهبانی و باستانی اسکلیگ مایکل^۲ در ارتفاعات خطرناکی قرار دارد، برای بازدید عمومی ممنوع هستند؛ ولی زائرانی که در سرزمین اصلی (ایرلند) زندگی می‌کنند، هر ساله کوه ۲۵۱۰ فوتی کروآک پاتریک^۳ را بالا می‌روند. در سال ۱۱۰۶ اسقف آرادا پاتریک^۴ کشته شد و در سال ۱۹۲۷ زمانی که ۴۰۰۰۰ زائر از کوه بالا می‌رفتند، مجبور شدند ۱۵ نفر

۱. نمایش و ترسیم آخرین مراحل عمر عیسی مسیح که شامل محکومیت به مرگ، حمل صلیب، تصلیب، مرگ و تدفین وی است.

2. Skellig Micheal

3. Croagh

4. Arda Patrick



را با برانکارد پایین بیاورند. صاعقه نیز باعث مرگ زائرانی بود که در مناطق مرتفع سرباز عبادت می‌کردند (Turner & Turner, 2011, p. 208; Perston, 2015, p. 33). اگرچه امروزه با افزایش امنیت سفر در زیارت اربعین، از خطرات و شرایط دشوار کاسته شده است؛ ولی پیاده‌روی رنج‌های جسمی و گاه روحی را برای زائران در پی دارد که با در نظر گرفتن منشأ عاشقانه و محبت‌آمیز، سبب می‌شود آنان، بدون گله کردن قدم در این مسیر گذارند و حتی آماده پذیرش این سختی و رنج باشند و به تعبیری، انتظار رنج را می‌کشند. نمونه‌هایی از واحدهای معنادار این کد بر ساخته در جدول شماره (۴) آمده است.

جدول ۴- کد تفسیری «رنج خواستی»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
رنج خواستی	پذیرش رنج	به‌شدت از همان اول پاهایم درد می‌کرد. انگشت‌های پاهای من و مادرم تاول زده بود؛ هر قدمی که برمی‌داشتم، به‌زور بود.
	آگاهی از رنج	من می‌دانستم همه این سختی‌ها وجود دارد. می‌دانستم هوا گرم است؛ ولی آدم هر چقدر سختی بکشد، مثل یک قطره می‌ماند که در یک دریای بزرگ می‌افتد. (دو بار رفته‌ام و هر سال مریض شده‌ام؛ حتی حالت تهوع گرفته‌ام).
	پذیرش رنج به بهانه عشق	همه سختی‌های سفر شیرین بود؛ دلیل و انگیزه‌ای که می‌توانستم تحمل کنم، فقط عشق به امام حسین(ع) بود.
	قبول سختی سفر	سفر اربعین سفری سخت است؛ سختی از جنس خستگی‌های زیاد. چیزهایی که تا الآن تجربه نکرده‌اید؛ از موبک‌های عمومی تا بی‌خوابی‌ها. از بدقلقی‌های بچه تا سایر موارد، که برخی می‌پذیرند و برخی نه.
	قبول سختی سفر	از وقتی کوله‌پشتی‌هایمان را برمی‌داریم، سنگین است. وقتی پیاده می‌رویم بار را بیشتر روی شانه حس می‌کنیم؛ با هوای شرجی خسته‌تر می‌شویم. امیدواری که داری نزدیک‌تر می‌شوی؛ ولی حالت دست‌خوردت نیست.
	به‌جان خریدن سختی‌ها	سختی‌های سفر زیارت ائمه متفاوت است؛ زیارت اربعین چون بحث پیاده‌روی هم دارد، آدم سختی‌هایش را به‌جان می‌خرد.
	پذیرش رنج عمومی	من چند بار رفته‌ام. بحث شعار نیست. می‌بینید فلانی هم در مقابلت دارد این خستگی‌ها را می‌کشد؛ اما همه حالشان با این سختی خوب است.
	گله نکردن از دردها	وقتی یاد آن سفر و لحظات می‌افتم، هیچ‌وقت نمی‌گویم پادرد دارم.
	پرهیز از شکایت/ عادی‌سازی رنج سفر	لحظه‌ای که گم شدیم و دنبال مسیر درست بودیم، یا وقتی بدون کفش داشتیم می‌آمدم، اصلاً این سختی برایم بزرگ نبود. خیلی مسئله‌عادی بود که برایمان کفش نیست؛ چرا این لحظه را باید خرابش می‌کردم و غر می‌زدم؟! اینگونه مواقع، آدم هم خودش اذیت می‌شود و هم دیگران را اذیت می‌کند.
	بی‌ارزشی سختی	زمانی که به همسرم، تک‌وتوک، غرهایی می‌زدم، به این دلیل بود که می‌خواستم خودم را آرام کنم و انرژی بگیرم؛ کمی خالی شوم تا بتوانم به بقیه راه ادامه دهم.



کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
	توجه به رنج‌ها مانع بهره بردن از سفر	اگر انسان به رنج اربعین بهاء بدهد و این رنج را بزرگ کند، ناگهان می‌بیند، به‌جای اینکه فکر معنویت و استفاده از زمان باشد، بیشتر فکر این است که دیر شد، یا این‌جوری شد و ...؛ که درنهایت از سفر لذت نمی‌بریم، پس سفر برای همه این رنج را دارد.
	بی‌اهمیتی سختی	در آنجا راحتی، مثل اگر تشک و پستی نباشد، آدم به دلش نمی‌چسبد؛ مهم نیست.
	انتظار سختی را کشیدن	به یاد دارم، سال دوم که پیاده به کربلا می‌رفتم، تقریباً ۴۰۰ عمود طی کرده بودم؛ اما هنوز پاهای من سالم بود. دائماً ناراحت بودم، از اینکه پاهایم سالم بودند و تاول نزده بودند؛ پیش خود می‌گفتم یا امام حسین! مگر می‌شود؟! من این‌همه راه آمده‌ام، من ۴۰۰ عمود آمده‌ام!
	آمادگی پذیرش رنج	گاهی در دل خویش با امام صحبت می‌کردم و می‌گفتم: یعنی نمی‌خواهید من هیچ رنجی برای این سفر تحمل کنم؟ مگر می‌شود من هیچ رنجی برای رسیدن به شما نداشته باشم؟

«رنج معنابخش» سبب دلکشی و لذت سفر می‌شود؛ به‌طوری‌که، زائران زن را با معانی «شیرینی درد سفر»، «ارزش‌دهی به زیارت»، «پیوستگی رنج و زندگی» و ... روبه‌رو می‌کند. این برساختگی در جدول شماره (۵) با ذکر نمونه‌ای از سخنان زائران زن آمده است.

جدول ۵- کد تفسیری «معنابخشی رنج»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
شیرینی درد سفر	رنج لذت‌بخش	سفر کربلا به‌طور کل، با همه سفرها فرق دارد؛ اگر آدم در مسیر کربلا سختی نکشد، اصلاً به او خوش نمی‌گذرد.
	شیرینی درد سفر	پیاده‌روی اربعین بسیار شیرین است، اصلاً چه‌طور باید وصفش کرد؟ نمی‌دانم! مثل سرچشمه از هر جای دنیا در مسیر نجف موکب زده‌اند. آنجا می‌توانستی دریایی از مردم که همانند سرچشمه بودند را ببینی، که به دریای کرامت امام حسین می‌ریزند. در آنجا فرقی ندارد چه دینی داشته باشید.
	شیرین بودن سختی سفر	در این سفر سختی‌های بسیاری است؛ ولی زمانی که نگاه پرمحبت به انسان شود، برای جلب محبت‌آمیز فرد دیگری (امام حسین)، این سفر شیرین و درس‌آموز می‌گردد.
	شیرین بودن سختی سفر	در این سفر، مشکل، غیرممکن است که نباشد. سختی‌ها برای است که آن لذت چشیده شود.
	لذت‌بخشی رنج سفر	اگر در طی مسیر راحتی باشد، از نظر من، لذتی ندارد.
	لذت‌بخشی سفر با سختی	کربلا بدون سختی دلنشین نیست.
	ارزشمندی سفر	من ارزش سفر را به این می‌دانم، که سختی بکشم.
	دل‌چسبی سفر با سختی‌ها	سختی سفر بسیار دلنشین بود، بهترین سفر عمرم بود.
	لذت‌بخشی رنج	احساس می‌کردم، درد این سفر لذت دارد.



واکاوی تجربه «رنج مؤمنانه» در زیارت زناغه (مورد مطالعه زیارت ...

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
	رنج به‌مثابه عشق	از نظر من، همه آن سختی‌ها در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن عشق است. اصلاً هیچ واژه‌ای پیدا نمی‌شود که عشق را توصیف کرد. اصلاً آنقدر بزرگ است -عشق به امام حسین را می‌گویم- که نمی‌توانم چیزی بگویم.
	ارزشمندی سفر اربعین و نادیده گرفتن رنج آن	سفر اربعین آن قدر برای من ارزشمند بود که رنج سفر را در نظر نمی‌گرفتم.
	خوشحالی ناشی از وجود رنج در سفر	اولین تاولی که زدم خوشحال شدم. خوشحال بودم از اینکه دوباره همان رنج دفعه اول را تحمل می‌کنم.
	دل‌نشین بودن سفر با سختی	سال بعد با هواپیما رفتم؛ ولی آن سفری که با سختی رفتم خیلی دل‌نشین‌تر بود.
	پیوستگی رنج و زندگی	هر سفری رنج خاص خودش را دارد. رنج همراه انسان است. چیزی است که جزء زندگی انسان است.

چنانچه اشاره شد، رنج و سختی سفر در تجربه زناغه، رنجی خواستی است که با لذت همراه است؛ در واقع این رنج در توصیفی دیگر، «رنجی منتخب» نام می‌گیرد که زنان زائر آن را بر خود تحمیل می‌کنند. بدین معنی که به‌نوعی «باید رنج دیدن» در سخنان آن‌ها دیده می‌شود؛ که دال بر دخالت عنصر «انتخاب» در این سختی است. گاهی درد و رنج بر انسان وارد می‌شود و ضمن پذیرش رنج، انسان از آن استقبال می‌نماید و «خواستن درد» پیش می‌آید، ولی در سطحی بالاتر، فرد خود به استقبال رنج سفر می‌رود و نه تنها درصدد کاستن از آن نیست، بلکه با طلب کردنی مختارانه، «رنجی منتخب» را بر خود رقم می‌زند. در جدول شماره (۶) با ذکر واحد‌های معنادار به این نوع سختی اشاره می‌شود.

جدول ۶- کد تفسیری «رنج منتخب»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
رنج مختار	خواستن مختار درد و رنج کودکان کربلا	آن سوزشی که در پاهایم احساس می‌کردم، به آن دلیل بود که می‌خواست بدانم، وقتی بچه سه ساله در بیابان می‌دود و خار در پاهایش می‌رود، چه دردی می‌کشد؟
	تحمیل رنج بر خود	پاهای من پر از تاول بود؛ تا حدی که مجبور بود دیگر نرم تا تاول پاهایم را باز و پانسمان کنم. هر دو پای من تا مچ پا، شبیه وقتی که پا می‌سوزد، باندپیچی بود.
	چشیدن اختیاری درد به خود	می‌خواستم این رنج را به خودم بچشانم.
	تحمیل سختی بر خود در سفر	نمی‌دانم این خودآزاری محسوب می‌شود یا خیر؛ ولی بعضی وقت‌ها عمداً پایم را روی زمین فشار می‌دادم. حس می‌کردم رگی از کف پایم تا وسط قلبم می‌سوزد؛ ولی این درد را دوست داشتم.
	تجربه آگاهانه درد	دوست داشتم درد پاهایم را در هر قدم، تجربه کنم.



کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
	خواست درد در سفر	شخصی به من گفت: «قبل از اینکه سفر بروی، برای اینکه پاهایت پوستش ضخیم شود، حنا بپند. اگر هم می‌خواهی قرمز نشود، از حناهای بدون رنگ استفاده کنی تا پاهایتان ضخیم شود و توان سفر را داشته باشید». حنا را خریدم. اهل خانه که می‌خواستند ببینند، به پای همه حنا گذاشتم، اما خود نردم؛ زیرا می‌خواستم رنج را تحمل کنم.
	ماندگاری درد دوست‌داشتنی	با اینکه چند سال از سفرم به کربلا گذشته است، اما هنوز پاهایم درد می‌کند و من این درد را دوست دارم.
	انتخاب تجربه رنج سفر/ ارتقاء به مقام عبداللہی	من سفر کربلا را به صورت هوایی و VIP رفتم. انتظار این بود که باید لذت بیشتری می‌بردم؛ ولی الان که برگشته‌ام، در این گرمای مردادماه نیز، دلم می‌خواهد آن سفر پیاده را تجربه کنم؛ چون در پیاده‌روی، هر فرد یک «عبد الہی» دارد؛ یعنی او سختی را تحمل می‌کند و این را انتخاب کرده است؛ ولی در سفر VIP اینگونه نیست، فقط ممکن است از سامرا تا کاظمین یک سختی وجود داشته باشد.
	«باید» دیدن رنج	آن چیزی که در قلب من بود و باید تجربه می‌کردم، آن بود که باید این سفر را بروم و سختی بکشم.

بنابراین، در این مسیر، رنج حاصل شده امری خودخواسته، خیر، مطلوب و «انتخاب شده» است؛ نه شری تحمیل شده. به همین دلیل برخلاف سایر جلوه‌های رنج در زندگی روزمره بشر، ناخوشایند و تهدیدکننده حیات نیست؛ بلکه معنابخش آن است. این معنابخشی و مطلوبیت خصوصاً گاهی با لفظ «عشق» به‌طور مکرر بیان می‌شود. این واژه بیشتر در ادبیات عامیانه و سوگواری‌های دهه‌های اخیر، نوعی ترجمه زانی «باوری دینی» است. به نظر می‌رسد، باوری دینی، واژه‌ای مدرن و جایگزین شده به‌جای واژه مصطلح «حب» و «ارادت» در آموزه‌های شیعی است.

۲-۵. اعلان عملی باور به عقیده مذهبی

زیارت به‌مثابه سفری کنایی، زیارتی، جسمانی و روحانی است؛ یعنی تمام زندگی و کشمکش‌هایش می‌تواند به‌مثابه سفری به سمت کمال تلقی شوند، سفری که هدفش بهشت است (Bowie, 2006, p. 338). زیارت اربعین بسط این زیارت درونی است. از این‌رو در این سفر زنانه، باورهای مذهبی در قالب کدهایی چون «عرصه تاب‌آوری»، «بخشودگی»، «بازسنجی خود»، «رشد معنوی»، «رسیدن به کمال» و «باورمندی به آینده» گشوده می‌شود.

از آنجاکه در ادبیات دینی یکی از ویژگی‌های مؤمنان صبر و بردباری است، زائران زن در پیاده‌روی اربعین، از سختی‌های سفر به عنوان «عرصه‌ای برای تاب‌آوری» نگاه می‌اندازند که سبب می‌شود نه‌تنها در مسیر سفر از سختی‌ها شکایت نکنند، بلکه هرگونه گله را منافی با تعالی خود بدانند. از این‌رو آن را وسیله‌ای برای افزایش ظرفیت و تحمل مصائب در زندگی عادی خود تفسیر می‌کنند. این نمونه‌ها در جدول شماره (۷) آمده است.

جدول ۷- کد تفسیری «عرصه تاب‌آوری»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
عرصه تاب‌آوری	سختی سفر موجب افزایش صبر خود و اطرافیان	بدون اغراق می‌گوییم؛ در این سفر سختی‌هایی بود؛ اما هم صبر من به‌عنوان یک مادر زیاد شده بود، هم همکاری اطرافیانم در مراقبت از فرزندم بسیار زیاد بود.
	افزایش ظرفیت	خیلی سختی‌ها برای دخترم سنگین بود. ۱۵ ساله و تنها بود و به همین دلیل احساس غربت او را اذیت می‌کرد؛ اما بعد مدتی تاب‌آوری و ظرفیتش بالا رفت.
	آسان شدن رنج‌های روحی و جسمی عادی	ایمان دارم که این فرهنگ غنی، محکم و استوار اربعین، تحمل بسیاری از رنج‌های روحی و جسمی را برای زندگی عادی آسان می‌کند.
	بالا رفتن سطح وجودی	سطح تحمل و ظرفیت بالا می‌آید، در نتیجه بابت یک تاول حال هم‌سفر تو نمی‌گیری.
	شکایت از رنج یعنی کوچک بودن و عدم رشد	من اینجا زمین می‌خورم، پایم یک خراش کوچک برمی‌دارد و به همه این را می‌گویم. ولی آنجا حال و هوا جور دیگری است. خودت را آنقدر کوچک نمی‌بینی که غر بزنی.
	گله از سختی سفر و عذاب وجدان نطلبیده شدن در سفرهای بعدی	شاید آدم تحت تأثیر سختی‌ها قرار بگیرد و بگوید دیگر نمی‌آیم؛ ولی بعد به خودش می‌گوید کاش این را نگفته بودم. شاید دیگر من را نطلبند. آدم پشیمان می‌شود.

چشم‌داشت بخشودگی از یک‌سو و نگاه کفاره بودن این سختی‌ها از سوی دیگر، در تجربه زیارت زنانه نمود دارد؛ بدین معنی که زائر سختی‌های متحمل شده در سفر را به‌مثابه کفاره‌ای برای گناهان خود می‌داند و در صورت نبود سختی در سفر، نه‌تنها خود را مشمول قبولی زیارت ندانسته است، بلکه احساس رنج سفر را بر خود مضاعف می‌بیند. نمودهایی از کد بخشودگی در جدول (۸) قابل‌مشاهده است.

جدول ۸- کد تفسیری «بخشودگی»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
بخشودگی	رفتن به سفر به‌مثابه بخشیده شدن	قبل از سفر دومی که دلم می‌خواست بروم، گناه کرده بودم. بارها در خلوت خود توبه کرده بودم؛ ولی باورم نمی‌شد که خدا من را بخشیده باشد. گفتم امام حسین، اگر واقعاً من را بخشیدید، من را بطلبید.
	تحمل رنج یعنی بخشیده شدن	وقتی بدون پاسپورت رفتم، واقعاً متوجه شدم که حقیقت دارد که می‌گویند می‌بخشند. می‌خواهند که من آن عذاب وجدان (گناه کردن) را نداشته باشم.
	ارتباط قبولی زیارت افراد با سختی سفر	عربی را دیدم که داشت سینه خیز می‌رفت. تمام لباسی که تنش بود به واسطه کشیده شدن روی زمین پاره شده بود. گفتم اگر زیارت اینها قبول است پس ما کجای داستانیم؟

بخشودگی خود در دایره وسیع‌تری از معنای «پاداش‌مندی» قرار دارد که زائران در سفر خود، به تفسیر آن پرداخته‌اند. آنان یکی از سختی‌های سفر را بهره‌مندی از بخشش الهی یا بخشش از سوی امام



حسین(ع) می‌داند؛ ولی در پیوستاری دیگر، درک و دریافت آرامش روحی ناشی از رسیدن به حرم، رسیدن به مکان مقدس و مشمول رحمت الهی قرار گرفتن را چیزی جز پاداش تحمل سختی‌ها نمی‌دیدند. نمونه این واحدهای معنادار در جدول شماره (۹) آمده است:

جدول ۹- کد تفسیری «پاداش‌مندی»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
پاداش‌مندی	رسیدن به حرم پاداش سختی‌های کم سفر	وقتی به حرم امام حسین(ع) می‌رسیم و سختی‌ها را می‌بینیم (شیرینی‌های دنیوی خودش را هم دارد) این عظمت و مهربانی می‌گذارد ما در ازای سختی کم، خوشی‌های زیادی آنجا ببینیم.
	پاداش‌مندی سختی‌ها	برای هم‌سفری‌ام روایت می‌خواندم و از پاداش سختی‌ها برایش می‌گفتم؛ حتی بعضی وقت‌ها برایش روضه می‌خواندم.
	مشمول رحم الهی قرار گرفتن جهت تحمل سختی‌ها	پوست صورت من بسیار حساس است. بنابراین، پوشیه زده بودم و فقط قسمت بالای صورتم پیدا بود. اما در نهایت روی بینی‌ام سوخت و تاول زد. چهره‌ام را که می‌دیدم خیلی حالم بد می‌شد. جای سوختگی ورم کرده بود. وقتی خودم را در آینه دیدم، گریه کردم. دیگران برای اینکه به من دلداری بدهند، در مورد سوختگی در روز اربعین و ثواب آن حدیث پیدا کرده بودند؛ امام صادق(ع) می‌فرماید: خدا یا رحم کن به آن صورت‌هایی که در راه زیارت امام حسین(ع) رنگش در برابر تاب خورشید تغییر کرده است.
	تحمل رنج یعنی جهانی شدن عشق به امام	هرساله مشاهده می‌شود که مردم در این سفر سختی می‌کشند؛ ولی باز هم به این سفر می‌روند. علت آن، وجود حرارت محبت به اهل‌بیت در قلب‌های شیعیان است که جهانی شده است.
	آرامش پاداش سختی‌ها سفر	در شهر کربلا و پس از تمام شدن پیاده‌روی، لحظه‌ای که قرار هست به محضر آقا سلام بدهیم، واقعاً این حس را داشتیم که دو تا دست مرا در آغوش گرفته است. آنقدر آن لحظه آرامش دارد که تمام آن سختی‌ها و آن ناملایمی‌های راه، یک‌دفعه جای خودش را به آرامش می‌دهد.
آرامش و امنیت پاداش رنج	بعد از سفر دیگران می‌پرسند آنجا امن است؟ راستش! بعد از سفر همه چیز یادت می‌رود، تمام آن سختی‌ها راه، اینکه از کجا آمدی؟ کجا آب نبود؟ کجا جا نبود؟ کجا چه اتفاقی افتاد؟ خلاصه همه از یادت می‌رود به‌جز، رسیدن به آن آرامش. و این آرامش است که آدم را سال بعد در همین مسیر می‌کشانند.	

تحمل رنج در مسیر زیارتگاه‌ها یا سفرهای زیارتی به معنای پذیرش دشواری‌ها و تحمل سختی‌هایی است که در طول این مسیر وجود دارد. این رنج و سختی‌ها ممکن است، شامل عوامل مختلفی مانند فاصله طولانی، شرایط آب و هوایی نامساعد، زمان برگزاری سفر در شرایط دشوار، عدم راحتی‌های فیزیکی، محدودیت‌های مالی و زمانی و حتی تنش‌های روحی و ذهنی باشد. «بازسنجی خود» یک از اهداف غایی سختی سفر است؛ بدین معنی که سفر زنانه می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای خودشناسی و پیدا

کردن معنای زندگی در نقاط مختلف جهان عمل کند. زنان ممکن است در مسیر سفرهای خود با مسائل مربوط به هویت، اهداف زندگی و ارزش‌های خود روبه‌رو شوند، که این امر باعث شود تا به شکل عمیق‌تری در مورد خود و جهان بیندیشند. نمونه کدهای توصیفی بازسنجی خود در جدول شماره (۱۰) آمده است.

جدول ۱۰- کد تفسیری «بازسنجی خود»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
بازسنجی خود	افزایش خودباوری	ساق پایم در پیاده‌روی گرفت؛ شوهرم گفت تو نمی‌توانی با این پا ادامه دهی. جالب این است که من روی پاهایم کم حساب کرده بودم. مثل اینکه من روی توان روحی‌ام نیز کم حساب کرده بودم. کم‌صبری کم‌تری نسبت به خدا داشتم. این موضوع به آدم خیلی انرژی می‌دهد و به باوری از خود می‌رسد.
	ثابت کردن خود، به خود	می‌خواستم ببینم واقعاً هستم، یا شعار می‌دهم.
	سختی برای باور به توانمندی خود	ابتدا آدم باوری به توانمندی خودش ندارد؛ ولی بعد از تحمل سختی‌ها می‌بیند این توان را دارد. سپس باورش می‌شود که این توانمندی را دارد که من می‌توانم سختی‌هایی از این بزرگ‌تر را هم تحمل کنم.
	پذیرش سختی برای خودشناسی	هر بار دلت می‌خواهد یک سختی برات پیش بیاید تا خودت را بهتر بشناسی.
	سختی کشیدن برا خودشناسی	به این سفر می‌روی و سختی‌هایی را برای یک شخص بزرگوار می‌کشی تا خودت را بشناسی.
	سنجش میزان در صحنه بودن خود	ما توان یک تاول را نداریم. ما جان یک حال به هم خوردن را نداریم. ما می‌خواهیم همیشه و همه چیز مرتب باشد. می‌خواستم ببینم واقعاً هستم یا دارم شعار می‌دهم.

زیارت، سفری در جست‌وجوی یک تجربه است که بر زندگی معنوی و روانی فرد تأثیر می‌گذارد (فولادی و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۱۰) و زائران زن کسانی هستند که در پی تکامل خویش با طی کردن مسیرهای طولانی، رنج‌های سفر را پذیرا شده‌اند و از سرزمین‌های غریب به سوی هدف خویش حرکت می‌کنند. «رسیدن به کمال» از نظر کنشگران زن، با جان و دل پذیرا شدن سختی‌ها، میسر می‌شود. یکی از رنج‌هایی که زائران این مسیر مقدس، بدان اشاره دارند و آن را سخت‌تر از رنج‌های جسمی قلمداد می‌کنند، «رنج‌های روحی» است، که بر اثر دزدی هم‌وطنان خود شاهد آن بودند، یا اسراف‌هایی که در مسیر پیاده‌روی با آن مواجه شدند؛ اما همین رنج‌های روحی را نیز در مسیر کمال و هدایت خود و دیگران معنا می‌کنند، تا بدانجا که رنج‌های سفر را کوچک می‌بینند و نه تنها به هدایت و کمال خود می‌اندیشند، بلکه برای آنان که در سفر به جای توجه به مقصد در اثر «هدایت نیافته» گی، مسیر کمال خود را گم کرده‌اند، دعا می‌کنند. جدول شماره (۱۱) به کدهای توصیفی «رسیدن به کمال الهی» اختصاص دارد.



جدول ۱۱- کد تفسیری «رسیدن به کمال الهی» واحدهای معنادار

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
رسیدن به کمال الهی	پذیرش با جان و دل سختی‌ها برای رسیدن به کمال	باید آن رنج را با دل و جان بپذیریم، با آن مبارزه کنیم و در نهایت آن را کنار بگذاریم.
	بزرگ نکردن سختی‌های سفر برای رسیدن به کمال	برای رسیدن به کمال باید رنج‌های سفر را برای خودمان بزرگ نکنیم.
	بی‌نیاز از زیارت فیزیکی و رسیدن به مقام بندگی	اکثر کسانی که اربعین پیاده می‌روند، مدت زمانی برای زیارت حرم یا ندارند یا بسیار اندک است. به نظر من آنجا نیازی به حرم رفتن نیست، چون هر کس عبدالله است.
	رسیدن به هدف	آدم حاضر است هر چیزی را به جان بخرد. سختی بکشد، غر بزند، هر چیزی را تحمل کند، به خاطر اینکه برسد.
	رنج وسیله دستیابی به اهداف	انسان بدون رنج نمی‌تواند چیزی را به دست بیاورد.
	دعا برای قرین رحمت قرار گرفتن هدایت نایافته‌های سفر	آن‌ها (آن شخصی که دزدی می‌کند) به خاطر محبتی که به اهل بیت داشته‌اند، آمده‌اند؛ اما یک مقداری بیراهه رفته‌اند. آن‌ها به خاطر دزدی نیامده بودند. اگر به خاطر دزدی بود که در شهر خودشان می‌ماندند، نه اینجا. ولی اینها (عمل دزدی) برای نیاز هم نبوده است؛ زیرا کسی به خاطر نیاز دزدی نمی‌کند. خداوند آن‌ها را هم مشمول رحمت خودش کرده است.
	دعا برای دیگران هدایت نایافته	من فقط برای افرادی که دزدی، اسراف و... می‌کردند، دعا می‌کردم، که خدایا کمک‌شان کند. من می‌خواهم به هدایت برسم، پس باید بخواهم که آنان هم به هدایت برسند.
	کمک به هدایت دیگران	به نظرم اگر من خودم کربلا بروم؛ بعد زیارت کنم و به هدف خود برسم، هنر نکرده‌ام؛ بلکه اگر بتوانم کمکی به کسی بکنم که هدایت بشود، هنر است. من که کاری از دستم بر نمی‌آید و موقعیت‌اش را ندارم، حداقل می‌توانم برایشان دعا کنم. به هر حال بد مطلق نیستند، باید آن‌ها را به فطرتشان برگرداند.
بزرگ دیدن هدف در مقابل سختی‌ها	آنجا آنقدر آن هدف بزرگ و قشنگ است که این چیزها (سختی‌های خوردن، غذای مناسب، خانه و...) خیلی کم‌رنگ می‌شود.	

دین امری قدسی است و مکان‌های قدسی به‌عنوان مراکز جهان هستند که حرکت زائر به‌سوی مکان قدسی در حقیقت نوعی حرکت به سمت اصل و سرشت خود است (الیاده، ۱۳۷۵، ص ۳۳-۳۵). با این نظر است که در زیارت زنانه رنج‌ها، برکشیدن خود به سمت تعالی و رشد «من»‌هایی است که پیاده‌روی فرصتی برای «بزرگ‌تر بودن» از هر منفعت شخصی دیده می‌شود. در مفهوم مذهبی و دینی، تحمل رنج در مسیر زیارتگاه‌ها به معنای تلاش برای غلبه بر مشکلات و سختی‌ها و زمینه‌ساز رسیدن به مقامات مقدس و بزرگان دینی است. این تحمل رنج به‌عنوان یک راه برای رشد و پاک‌سازی روحی و تقویت ایمان است. کدهای توصیفی این مفهوم در جدول شماره (۱۲) آمده است.

جدول ۱۲- کد تفسیری «رشد معنوی»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
رشد معنوی	اربعین فرصتی برای تعالی خواسته‌ها	سختی اربعین مانوری است تا انسان از خواسته‌هایش بزرگ‌تر شود.
	اربعین فرصت بالا کشیدن خود	در این سفر، وقتی خدمت‌رسانی مشاهده می‌شود، انسان خود را حقیر می‌بیند؛ بنابراین، تلاش خواهد کرد تا خودش را بالا بکشد.
	بزرگ شدن «من» معنوی	اگر در سفر اربعین کسی بر «من» بودن خودش تکیه کند، زشتی آن بسیار بیشتر از حالت عادی است. ولی آنجا «من» خیلی بزرگ می‌شود.
	بزرگ‌تر بودن از منفعت شخصی خود	فرهنگ سخاوت وجودی آنجاست؛ یعنی هرکس هرچه دارد، می‌خواهد بدهد. معنی سخاوت آنجا دانسته می‌شود. به خاطر اینکه هرکس می‌خواهد بزرگ‌تر از منفعت خودش باشد.
	تحمل سختی برای خوب شدن	در دنیا سختی‌ها را مجبور هستیم تحمل کنیم؛ چون می‌خواهیم خوب باشیم.
	خودسنجی پای آرمان‌ها	می‌خواستیم بدانم اگر من واقعاً آن زمان بودم، می‌توانستم این درد را تحمل کنم یا خیر؟
	رشد معنوی در زندگی	اگر نوجوانی دلش می‌خواهد دوباره اربعین برود، به آن دلیل است که رشدی در زندگی‌اش می‌بیند.
	رشد معنوی در سفر	در زمان شلوغی، از حرم رفتن منصرف خواهی شد و تنها به یک سلام از راه دور اکتفا خواهی کرد؛ این به مفهوم آن است که بزرگ شده‌ای.
	حرکت به سمت بالا، لذت پیاده‌روی	کشیده شدن به سمت بالا، لذت پیاده‌روی اربعین است.

از دیگر کدهای تفسیری که در تجربه زیارت زنانه مطرح شد، با عنوان «باورمندی به آینده» برساخته شد. مسیر قدسی اربعین در تجربه زنانه یادبودی از امری قدسی است، که برای زنان با معنایی «زندگی حضوری با امام در مسیر سفر»، «آمادگی برای خدمت‌رسانی برای ظهور» و «رزمایشی دیدن این سفر» برای آینده‌ای روشن مفهوم می‌یابد؛ از این‌رو «تحمل سختی‌ها نذر امام زمان» در این تجربه بازتولید می‌شود. مصادیق باورمندی به آینده، در جدول شماره (۱۳) آمده است.



جدول ۱۳- کد تفسیری «باورمندی به آینده»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
باورمندی به آینده	زندگی حضوری با امام در مسیر سفر	بسیاری از افراد زمان رسیدن به کربلا کنار ضریح نمی‌روند، چون در مسیر با امام حسین(ع) زندگی می‌کنند؛ یعنی انگار آن حسی که در محضر امام هست، در تمام وجودت احساس می‌شود.
	پیادهروی اربعین زندگی در ظهور	سفر اربعین یک نمونه از زندگی در ظهور است. به تعبیری، یک نوع تربیت قبل از ظهور است.
	آمادگی برای خدمت‌رسانی برای ظهور	وقتی امام زمان(عج) می‌آید، ما باید خدمتگذار امام شویم، نه اینکه منتظر باشیم امام برای ما کاری کند.
	تحمل سختی‌ها با عشق امام حسین	عشق در تحمل سختی‌ها بود. عشق به امام حسین خیلی شیرین است.
	تحمل سختی نذر امام زمان	سختی‌هایی که تحمل کردم را نذر امام زمان کردم. پیادهروی را به عشق امام زمان رفتیم.
	رزمایشی دیدن پیادهروی اربعین/آمادگی برای ظهور	اینکه می‌گویند «اربعین یک رزمایش است که هر ساله اتفاق می‌افتد تا برای زمان ظهور امام(ع) زمان آماده باشیم»، آنجا درک می‌شود.

۳-۵. بازسازی تجربه تاریخی رنج مقدس

در سفر زنانه، گفتمان رنج به معنایی نزدیک به درک مفاهیم یک مؤمن معتقد به رنج انبیا و ائمه(ع) نیز تجلی داشته است. این نوع مفاهیم نه تنها در ادبیات رنج عاشورا بلکه در ادیان دیگر از جمله مسیحیت نیز نمود دارد؛ بدین معنی که گفتمان رنج مبتنی بر تصدیق بیماری و سختی به منزله رهای برای شراکت در آلام مسیح (Bowie, 2006, p. 340) در زیارتگاه‌ها وجود دارد. زائران بسیاری، مسیرهای زیارتی را برای یادآوری واقعه یا رویدادهای تاریخی که در آنجا رخ داده است، طی می‌کنند. زائران، زیارتگاه «سانتی‌آگو»^۱ در اسپانیا، مسیر مشهور به «راه جیمز» را به یاد حرکت «سنت جیمز»^۲ (از حواریون حضرت عیسی(ع)) از فلسطین به اسپانیا می‌پیمایند. همچنین در ایتالیا معتقدان مسیحی با گذر از مسیرهای زیارتی شهر «آسیسی»^۳ راه‌هایی که «سنت فرانچسکو»^۴ و «سنت آنتونی»^۵ از قدیسان بزرگ ایتالیا را طی کرده‌اند، دنبال می‌کنند.

در این سفر نیز، بازسازی رنج و هم‌ذات‌پنداری با کاروان اسرای کربلا، انگیزه برخی از زائران برای پیاده رفتن است. درحقیقت پیاده‌روی، نمادی از حرکت کاروان اسرای کربلا و رنج‌های برده شده در این راه است. در مسیر کربلا، زائر با پیاده رفتن و «تحمل رنج مسیر» با رنج اولیه اسطوره‌ای «هم‌ذات‌پنداری» می‌کند. این عمل زائر ناشی از نوعی نیاز برای نزدیک شدن به ذوات مقدس و همسان شدن با آنان است.

1. Santiago
2. Saint James
3. Assisi
4. Saint Francesco
5. Saint Anthony



این تجربه زیارت در زیارت زنانه نیز معنادار بوده و با بیانی زنانه و در قالب کدهایی چون «ادای دین»، «مشارکت در رنج»، «هم‌ذات‌پنداری» و «قیاس‌ناپذیری» برساخته شده است. زنان در زیارت زنانه خود از طریق هم‌ذات‌پنداری، با مشارکت در رنج مقدس به ادای دین خود می‌پردازند.

هدف از بازسازی تجربه رنج مقدس در سفر زیارتی، تقویت ارتباط با معنویت، تثبیت ایمان و تأکید بر ارزش‌هایی مانند تحمل، صبر، ایثار و انسانیت است. این بازسازی‌ها، معنای عمیق زیارتگاه‌ها را برای زائران بازتاب می‌دهند و ارتباط شخصی بین زائر و بزرگان دینی را برقرار می‌سازند. همچنین، بازسازی تجربه رنج مقدس به‌عنوان نمادی از مقاومت و استکبار در مقابل ستم و ظلم نیز تفسیر می‌شود.

بازسازی تجربه تاریخی رنج مقدس در سفر زیارتی، راهی برای به ارمغان آوردن احساس متقابل بین زائران و بزرگان دین است و به زائران امکان می‌دهد تا از نزدیک با تجربه رنج مقدس آشنا شوند و از آن الهام بگیرند. همچنین این بازسازی‌ها در ایجاد ارتباط و اتحاد بین زائران نقش دارند؛ زیرا با مشترک کردن تجربه رنج و سختی، احساس تعلق و همبستگی را تقویت می‌کنند. نکته مهم در تجربه بازسازی شده از سختی سفر در این پژوهش، این است که در همه موارد با محوریت «زنانه» تفسیر می‌شود؛ یعنی تجاربی برجسته می‌شد که یادآور «برجستگی صبر حضرت زینب» در حوادث پس از واقعه عاشورا است؛ از این‌رو، «روضه بودن سختی سفر» و «تکرار مدام رویدادهای کربلا» با نگاهی زنانه محوریت دارد. مصادیق کد هم‌ذات‌پنداری در جدول شماره (۱۴) آمده است.

جدول ۱۴- کد تفسیری «هم‌ذات‌پنداری»

واحد‌های معنادار	کدهای توصیفی	کدهای تفسیری
سفر اربعین سفری خاص بود که با سختی همراه می‌شود. کوله‌هایمان سنگین بود؛ گرمای هوا خیلی اذیت می‌کرد. دو روز آخر، آنقدر پایم درد می‌کرد که با عصا راه می‌رفتم. همین‌طور که اشک می‌ریختم، دوستانمان مواظب من بودند. با دیدن این صحنه، تداعی می‌کردم بعد از واقعه عاشورا، اسیران حجم عظیمی از مصیبت را داشتند و راه می‌رفتند، اما مردهای غریبه آنها را می‌زدند، ناروا می‌گفتند و کسی از آنها حمایت نمی‌کرد.	تداعی‌گری عاشورا	
سال گذشته هوا گرم بود و بچه‌های زیادی آمده بودند. به دلیل تابستان به‌وضوح مشخص می‌شد که امسال چقدر بچه مدرسه‌ای آمده است و همین کار را خیلی سخت می‌کرد. گرما بسیار آزاردهنده بود. همه یکی، دو تا یا سه تا بچه همراهشان بود. پدر و مادرها، یا خواهر و بزرگتر مثل پروانه دور بچه می‌گشتند که اذیت نشوند؛ در صورتشان آب می‌ریختند، آنان را باد می‌زدند؛ حتی بعضی پنکه کوچولوهای باتری‌دار آورده بودند که بچه خنک‌ش بشود. چغیه خیس می‌کردند و روی سر کودکان می‌انداختند تا خنک شوند. آن‌ها را با سلام و صلوات می‌بردند. هنگام خواب، بادش می‌زدند، پاهایش را ماساژ می‌دادند. از این صحنه‌ها سال گذشته زیاد بود و دقیقاً همان‌جاست که آدم گریه‌اش می‌گیرد؛ اینها چگونه با بچه رفتار می‌کنند که یک وقت جگر گوشه‌اش اذیت نشود، بعد حضرت زینب داغ فرزند، برادر و... می‌بیند و شب نیز یتیم‌داری می‌کند. آن شب شام غریبان چه بر حضرت زینب گذشت؟ آیا ما می‌توانیم یک ثانیه آن لحظه‌ها را تحمل کنیم؟	یادکردن یتیم‌های کربلا در مقابل توجه به کودکان در سفر	۹ م ز ن ا ن ه



کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
	یادآوری درد و رنج کاروان اسرا	در طول مسیر نوحه می‌گذاشتم و دو روز را گریه می‌کردم. پایم درد می‌کرد؛ ولی از درد پا نبود. شاید نمی‌توانستم خودم را جای آنها بگذارم؛ ولی حس می‌کردم که چقدر می‌تواند برای اهل بیت(ع)، نگاه‌های سنگین مردم شهرهای متفاوت سخت بوده باشد. برای بچه سه‌ساله چقدر سخت بوده است.
	یادآوری سختی‌های حضرت زینب(س)	من وقتی به تل زینبیه رسیدم، روی زمین افتادم، به اصطلاح کم آوردم و بدنم به ناگاه خالی کرد. دفعه اولم بود. به من گفتند اینجا تل زینبیه است. گفتم من توان این را نداشتم؛ زیرا در تمام طول مسیر همه حواسشان به من بود. می‌گفتند حالش بد شده است، برای همین هر کسی هر خوراکی داخل کیفش بود، به من می‌داد و در بین راه دائماً می‌پرسیدند: «حالت خوب است؟ می‌توانی ادامه بدهی؟ می‌خواهی برایت ماشین بگیریم؟» دستم را می‌گرفتند. کوله‌ام را برمی‌داشتند. وقتی به تل زینبیه رسیدم، گفتم من را با ناز اینجا آوردند، اما اینجا کم آوردم و خالی کردم ... چگونه حضرت زینب(س) در اوج مصیبت می‌گویند که من غیر از زیبایی چیزی ندیدم؟
	تکرار مدام رویدادهای کربلا	شب اربعین بود و ما هنوز به کربلا نرسیده بودیم. جمعیت هر لحظه زیادتر می‌شد؛ بنابراین مردها، دورتادور خانم‌ها جهت محافظت از آن‌ها، حلقه زدند. دستانشان را به هم دادند که اگر جمعیت فشار آورد، خانم‌ها اذیت نشوند. این صحنه‌ها را که دیدم، پیش خود گفتم، چقدر سخت است که تنها باشی و هیچ‌کس نباشد که حمایت کند؛ الان مردهای ما هستند و حواسشان به ما هست، تازه اینجا کسی به ما تعرضی نمی‌کرد، یا حتی کسی نگاه چپ هم نمی‌کرد و این مدام تکرار می‌شد (اشاره به غربت اسیران بعد از واقعه عاشورا).
	روضه بودن سختی سفر	یکی از موکب‌های نزدیک حرم، سقف داشت و برای پذیرایی در صف بودیم. تمام آن مسیری که خانم‌ها ایستاده بودند جوانان خادم با تکه مقوایی بزرگ، هر ۲۰ تا خانم را باد می‌زدند. همانجا به یکی از همسفرانم گفتم: روضه را می‌بینی؟ قشنگ روضه است؛ با باد زدنش روضه می‌خواند و ما غافل هستیم؛ خداوکیلی آن‌ها از ما پذیرایی می‌کنند. سقف بالا سرمان هست تازه بادمان هم می‌زنند. اما با حضرت زینب(س) چه کردند؟
	تجسم روضه‌ها	روضه‌ها آنجا تجسم پیدا می‌کند. حس‌هایی که شنیده‌ای قشنگ است ولی آنجا یک سری چیزها را می‌بینی.
	یادآوری درد و رنج کودکان کربلا	آدم تصور می‌کند خار مگیلان، خاری بوده که یکی از آن‌ها کف پای بچه‌ای رفته است؛ ولی وقتی آنجا خار مگیلان می‌بینی، تازه می‌فهمی یعنی چه؟ یک بچه سه‌ساله چقدر توان دارد؟ چه کار کرده؟ چه اشتباهی انجام داده؟ اصلاً چه گناهی داشته است که این‌طور باید عذاب بکشد؟

شرکت زنان در پیاده‌روی اربعین بازسازی تجربه تاریخی رنج‌آلود پیشوایان است. آنان تلاش می‌کنند آنچه بر امام حسین(ع) و یارانش از ابتدای دعوت به کوفه تا شهادت ایشان را گذشت، با شرکت در این مراسم تجربه و وفاداری خود را به امام و یارانش بازنمایی کنند. بدین ترتیب نه فقط به‌طور ذهنی و زبانی، بلکه عملی نیز یاری‌گری و سرسپردگی خود را به پیشوای مذهبی خود اعلام کنند. درواقع پای گذاشتن در سفری دشوار و پرنج که امام حسین(ع) حدود ۱۴ قرن پیش با یارانی اندک رفت و پس از چهل روز خانواده وی جهت ملاقات با او، راهی این سرزمین شدند، هم به لحاظ فیزیکی مشابه ملاقات خاندان

امام حسین (ع) است و هم تداعی روایتی تاریخی، که شیعیان هر ساله با آیین سوگواری خود آن را بازخوانی می کنند؛ که بیش از سایر تجارب دینی زائران درباره پیشوایان، ملموس و نزدیک به نظر می رسد. از این رو پیاده روی زائران به معنای اعلام صداقت و خلوص نیت در ابراز ارادت عمیق به امام است. به علاوه تجسم حضور پیشوایان دینی در این مسیر، بازنمایی «تقدس مسیر» را تقویت می کند که با مشارکت در رنج، ولو به حداقل، صورت می گیرد. جلوه هایی از کد «تقدس مسیر» در جدول شماره (۱۵) آمده است.

جدول ۱۵ - کد تفسیری «مشارکت در رنج»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد های معنادار
مشارکت در رنج	همقدم شدن با حضرت زینب و رقیه	همین مقدار که احساس می کنی، مسیری را با حضرت زینب، یا حضرت رقیه و ... همقدم شدی، حس خوبی داشت.
	شبیه شدن به اهل بیت/ هم قدم و همراه شدن با اهل بیت	شاید بعداً تعریف کنی، پاهایم تاول می زد، خون می آمد ولی من با آن پاها راه می رفتم؛ یا مثلاً سه شب نخوابیده بودم، ولی باز هم زیارت می رفتم؛ تمامی این موارد به خاطر همان ارتباطی است که می خواهی با آنها (اهل بیت) برقرار کنی؛ اسیران را درک کنی و هم قدم و همراه آنها باشی، تا بدانی آنها چه کشیدند؟
	همدلی و همراهی خواستنی با امام	می خواستم همراه امام حسین (ع) باشم، همدل باشم.
	درک روضه ها	من این را هرگز درک نکردم. دلم می خواهد هر سال بروم تا شاید بتوانم آن حس را وقتی روضه می خوانند، درک کنم.
	درک مصیبت اعظم	وقتی واقعه کربلا و عاشورا را با لفظ «مصیبت اعظم» به کار می برند، یعنی واقعاً درکش سخت است. شاید در مخیله خیلی از انسان ها درک مصیبت اعظم نگنجد؛ ولی من این را دوست داشتم.
	سختی اربعین یعنی همدردی	انسان به اربعین می رود تا سختی ها رخت ببیند و همدردی کند.
	رنج وسیله همراهی با اهل بیت/ کسب معرفت در سفر با رنج	اگر می خواهیم به این سفر معنوی برویم، معرفت نسبت به ائمه را به دست بیاوریم، دل هایمان با ایشان یکی بشود و با آنها همراه باشیم، باید رنج برد.
	سختی سفر یعنی چشیدن سختی های آنان	انسان می رود که ذره ای از آن سختی ها را بچشد.
	همراهی با روضه ها برای تحمل سختی ها	دخترم بدون من رفته بود. هر بار که تماس می گرفتم و از سختی ها شکایت می کرد، حدیثی برای او روایت می کردم یا روضه برایش می خواندم و او آرام می شد.
	نحوه درک تحمل امام بر مصائب	می خواستم ببینم آنها چطور این همه سختی و مصائب را تحمل کردند. ما یک هزارم آن را هم نمی توانیم تحمل کنیم.

پیاده روی اربعین یک پیاده روی ساده در مسیر معمول برای رسیدن به یک زیارتگاه نیست؛ بلکه



تداعی گر واقعه‌ای تاریخی است که در همین مسیر و در زمانی مشابه رخ داده است. در واقع زائران با طی این مسیر، خاطره و دلالت‌های پیاده‌روی طولانی و رنج‌آلود زنان و کودکان و بازماندگان حادثه عاشورا را پس از شهادت تراژیک امام حسین(ع) و یارانش احیاء می‌کنند، گویی می‌کوشند تاریخ را بازسازی و دست‌کم وجوهی از آن را پس از هزار سال، به‌طور عملی تجربه کنند؛ یعنی خود را در این رنج شریک می‌دانند. این تجربه عملی که به‌سان سختی دیرینه از عاشورای سال ۶۱ هجری قمری با انقطاع‌هایی تداوم یافته است، بیش‌ازپیش زائران را نه‌تنها با اجتماع مذهبی کنونی، بلکه با اجتماع مذهبی تاریخی پیوند می‌دهد. آنان از این طریق دینی بر گردن خود احساس می‌کنند که تنها با تحمل سختی این مسیر مقدس قابل معناست. تجربه‌های زائران از کد توصیفی «ادای دین» در جدول شماره (۱۶) آمده است.

جدول ۱۶- کد تفسیری «ادای دین»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحد‌های معنادار
سجده	ادای حق	[پیاده می‌روی] برای اینکه بتوانی کمی از آن مصائب را تحمل کنی ...؛ درحالی‌که هیچ حقی از آن ادا نمی‌شود.
	احساس دین به امام حسین(ع)	عراقی‌ها خودشان را مدیون امام حسین(ع) می‌دانند، مطالبه‌ای هم ندارند. آن حس و حال را منم پیدا می‌کنم؛ یعنی احساس دین می‌کنم.
	سختی سفر به‌مثابه ادای دین	احساس می‌کردم که اگر کف پایم تاوولی بزند، دینی به امام حسین(ع) دارم.
	حساب و کتاب با امام حسین(ع)	در سفر، فرهنگ تشکر و توقع وجود ندارد و هر کاری می‌کنی با شخصی دیگر حساب و کتاب می‌کنی.
	قبول سختی به‌مثابه خدمت به امام حسین(ع)	اگر در وقت خواب، بجه‌ای گریه کند، در حالت عادی انسان‌ها عصبانی می‌شوند، ولی آنجا همدیگر را کمک می‌کردند، مثلاً بچه را بغل می‌کردند که گریه نکند. احساس می‌کردیم که به امام حسین(ع) خدمت می‌کنیم، این حس همه بود.
	اربعین عرصه خدمت‌رسانی	[اینجا] به خدمت دیدن عادت می‌کنی؛ ولی آنجا به خدمت‌رسانی عادت می‌کنی.
	انجام هر کاری برای فردی بزرگ	در روزمرگی هر کاری می‌کردم، برای خودم می‌کردم؛ ولی در روزمرگی سفر اربعین هر کاری کنی، این احساس را داری که برای یک فرد بزرگ این کار را می‌کنی.

دین و به‌تبع، مناسب آن، شروعی از قدسی شدن است که به‌تبع آن، مکان‌ها، فصول و خیرهایی نیز قدسی می‌شوند. این قدسی شدن به دنبال خود، ویژگی فوق‌العادگی را نیز به دنبال دارد. به‌این ترتیب، انسان با کیهان مقدس به‌مثابه واقعیتی بسیار قدرتمند مواجه می‌شود، درحالی‌که از انسان فراتر رفته، او را نیز دربرگرفته است (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۲-۶۲). این تقدس امام حسین(ع)، نظر به اینکه به مسیر الهی سرایت دارد، توانسته زائران را به سمت زیارتی سوق دهد که از گذشته تاکنون، با رنج‌ها و دشواری‌هایی بسیار متفاوت‌تر از حالا، همچنان پایدار بمانند. از این‌رو است که تجربه زیسته زنان از سخی سفر، آن را نه‌تنها در مقایسه با رنج‌های اهل‌بیت(ع) بلکه در قیاس با رنج‌های گذشتگان برای زیارت (قطعی دست و

پای زائر امام حسین (ع)، نیز «قیاس ناپذیری» کرده است. «قیاس ناپذیری» تجربه رنج مقدس، امری است که در عین مشارکت در رنج، از طریق «حس شرمندگی در مقابل مصائب امام حسین»، «درک ناپذیری» خواندن مصیبت اعظم، «مستوری سفر اربعین به علت عظمت و سنگین مصائب» را بر ساخته می کنند. نمونه هایی از تجربه زیسته زائران با موضوع قیاس ناپذیری در جدول شماره (۱۷) آمده است.

جدول ۱۷- کد تفسیری «قیاس ناپذیری»

کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
قیاس ناپذیری	قیاس ناپذیری سختی سفر با سختی اهل بیت	سختی های سفر، ذره ای با مشکلاتی که اهل بیت و حضرت زینب کشیدند، قابل قیاس نیست.
	قیاس ناپذیری رنج خود با مصیبت کربلا	به نظر، رنجی که من در این سفر تحمل می کنم، با رنج هایی که این ۲۰ میلیون آدم با هم، همزمان تجربه می کنند، همه این رنج ها را روی هم بگذاری، سرسوزنی از رنج مصیبت کربلا نمی شود.
	قیاس ناپذیری سختی خود با سختی حضرت زینب (س)	غیر از زیبایی هیچی ندیدن حضرت زینب کجای این سفر است؟ من چگونه می توانم در این سفر از زیبایی چیزی نبینم؟ واقعاً می توانم چنین نگاهی داشته باشم که غیر از زیبایی چیزی نبینم؟
	تحمل از دست دادن جنین در مقایسه با سختی های امام حسین (ع)	به محض رسیدن به ایران، متوجه شدم باردار بوده ام و بچه ام از دست رفته است؛ پیش خود گفتم مطمئناً خبری در این موضوع بوده است؛ شاید نباید این بچه می ماند. شاید بودنش خوب نبود. به خودم می گفتم من از یک سفری دارم برمی گردم که امام حسین (ع) که کریم ابن کریم اند، این همه سختی کشیده است.
	حس شرمندگی در مقابل مصائب امام حسین (ع)	یک جانباز با پای مصنوعی آمده بود. یکی از پاهایش تاول زده بود. یک پایش را درآورده و کنار گذاشته بود و داشت تاول های پایش را می بست. یا یک خانم نابینا تکوتنها آمده بود. آدم اینها را که می بیند، شرمنده می شود که بگوید من «خسته شدم». اصلاً خجالت می کشد کلمه «خسته» را به کار ببرد، چه برسد به اینکه بخواهد سر امام حسین (ع) منت بگذارد و بگوید امام حسین (ع) نگاه کن! به خاطر تو آدم؛ من خودم را «کشتم» و... اصلاً اینها نیست.
	بی اهمیتی به سختی ها در مقایسه با زیارت های سخت بزرگان در گذشته	سیره بزرگان را باید الگو قرار دهیم. الآن زیارت اربعین سرشار از رفاه است. از سوی عراقی ها همه نوع خوراکی هست، یا همه جور خدمات ارائه می شود؛ ولی اجداد وقتی می خواستند زیارت بروند، یا دستشان قطع می شد، یا پنهانی می رفتند، یا پیاده بدون امکانات سفر می کردند؛ ولی الآن به نظر من هیچ سختی نیست.
	درک ناپذیری اصل سفر/ مستوری سفر اربعین به علت عظمت و سنگین مصائب	معتقدم که امام حسین (ع) در این سفر، حجاب بر چشم ما گذاشته است که خیلی چیزها را نبینیم و متوجه نشویم؛ چون اگر قرار بود ما درک کنیم و این سفر را برویم، عین این ۲۰ میلیون نفری که می روند، اصلاً بر نمی گشتند. اینقدر [مصائب عاشورا] سنگین است.



کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	واحدهای معنادار
	حقیر دیدن سختی‌ها	آنقدر سختی‌های سفر حقیر بودند که آدم نمی‌تواند با سختی اسپران مقایسه کند.
	وجود توافل الهی نسبت به واقعیت سفر اربعین	من بعضی وقت‌ها می‌گویم، این توافلی که اتفاق می‌افتد همه‌اش رحمت است. نعمتی است که ما ناخودآگاه نبینیم و درک نکنیم که کجا می‌رویم.

۶. نتیجه‌گیری

سفر پیاده‌روی اربعین که سالانه میلیون‌ها زائر از سراسر جهان را به سمت خود جذب می‌کند، یک تجربه عمیق و متفاوت برای زنان است؛ به‌خصوص زنانی که از کشورهای دیگر در سفر حضور دارند. سفر زنانه فرصتی برای فرار از روزمرگی و تجربه جدیدی از محیط‌ها، فرهنگ‌ها و مردمان دیگر است. این تجربه می‌تواند زنان را به تغییر و رشد شخصی و فرهنگی ترغیب کند. یکی از این تجربه‌ها، تجربه رنج و سختی سفر است که تقدس شخص و مکان به تقدس مسیر و رنج نیز تعمیم داده می‌شود و سبب ایجاد معناهای خلاقانه‌ای در فرهنگ شیعی و زیارت زنانه می‌شود.

رنج و سختی در زیارتگاه‌ها اغلب به‌عنوان بخشی از تجربه مذهبی و عبادی در برخی ادیان و مکان‌های مقدس توصیف می‌شود. این تجربه‌ها ممکن است شامل رویارویی با مشکلات جسمانی، تحمل زحمت‌ها و خستگی و قربانی‌گیری از لذت‌ها و راحتی‌های زندگی عادی باشد. این اقدامات، به‌عنوان شکلی از تعبیر و عبور از زمینه‌های جسمانی و عالم مادی، باهدف بهبود روحی و نزدیک شدن به مقامات مقدس است.

این معانی به‌ویژه حامل محتوای تقدس بود و این امر رنج را نزد زائران پذیرفتنی و ارزشمند می‌کرد و نوعی «بازآفرینی مفهومی رنج مؤمنانه» را از طریق توصیف‌های مسیر مقدس، در بستر ریز معانی چون «شکستن روزمرگی‌ها، نظرکردگی، معنا بخشی، رنج خواستی، رنج منتخب و باورمندی به آینده» خلق می‌کرد. همچنین تجربه سختی سفر زنانه در پیاده‌روی اربعین می‌تواند به‌عنوان یک فرایند پدیداری توصیف شود که در آن زنان با تعامل با محیط اطراف، خود و سایر افراد، تحولاتی را درک و تجربه می‌کنند. این تجربه می‌تواند شامل دستیابی به عمق معنوی، تجدیدنظر در باورها و ارزش‌ها، رویارویی با چالش‌ها و پذیرش تغییرات باشد؛ به گونه‌ای که خود را در بستری از «اعلان عملی به باورهای مذهبی» می‌بینند. همچنین، این تجربه ممکن است به زنان کمک کند تا با فهم بهتری از خود، هدف‌ها و آرزوهایشان را درک کنند و ارتباط نزدیک‌تری با اعتقادات و عملکرد خود برقرار کنند و سختی سفر را در معانی «عرصه تاب‌آوری، پاداش‌مندی، بخشودگی، بازسنجی خود، رشد معنوی و رسیدن به کمال» بیان کنند.

«بازسازی تجربه تاریخی رنج مقدس» در ادبیات مذهبی شیعه، در قالب داستان‌ها، شعرها، مناجات و مرثی به تصویر کشیده می‌شود. این بازسازی‌ها به تفصیل درباره رنج و سختی‌هایی است که بزرگان



دینی و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در طول تاریخ تحمل کرده‌اند و ارتباط مستقیم با زیارتگاه‌ها و مراکز مقدس دارند. یکی از مثال‌های برجسته این بازسازی‌ها، مرتبط با روایت‌های مربوط به شهادت اباعبدالله (ع) و یاران ایشان در دهم محرم سال ۶۱ قمری است. در این روایت‌ها، رنج و سختی‌هایی که امام حسین (ع) و یاران ایشان در مسیر مقدس کربلا تحمل کردند، با جزئیاتی شرح داده می‌شود. این شرح‌ها شامل راهپیمایی در شرایط آب‌وهوای نامساعد، تحمل خشونت‌های ظالمانه، ترس و رنج جانی، کمبود آب و غذا و سایر عوامل سختی می‌شود. این بازسازی‌ها همچنین، به‌منظور بیان ارزش تحمل، صبر، ایثار و انسانیت در مقابل ستم و ظلم به‌کار می‌روند. این معنا در تجربه زنانه از سختی سفر با محوریت حضرت زینب (س) با زیرکدهایی چون «هم‌ذات‌پنداری، مشارکت در رنج، قیاس‌ناپذیری و ادای دین»، معنایی تازه یافت.



منابع

- اثنی‌عشران، ندا (۱۳۹۹). بررسی انسان‌شناسی پدیده زیارت زنانه (مطالعه موردی امامزاده محسن بن موسی بن جعفر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- امین، سید حسن (۱۳۹۵). *دایره‌المعارف الاسلامیه الشیعیه*. بی‌نا، ج ۱۳.
- امین، محسن (۱۳۸۶). *کشف الارتیاب*. قم: دار الکتب الاسلامی.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های کیفی و کمی تحقیق در علوم انسانی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- براق علی‌پور، الهه (۱۳۹۰). *فرهنگ زیارت (بررسی معناکاوانه کنش زیارت امام رضا(ع) نزد زائران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- برگر، پیتر (۱۳۹۷). *سایان مقدس*. تهران: نشر ثالث.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۸). *پدیدارشناسی تجربه زیارت (مطالعه‌ای در حرم امام رضا)*. علوم اجتماعی، ۲۶(۸۵)، ص ۱۶۵-۲۰۰.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). *پیاده‌روی اربعین و معنایابی کنش زیارت زائران جوان*. تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۵۰، ص ۱۴۵-۱۶۸.
- تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۰). *نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت*. معرفت، شماره ۴۵، ص ۵۹-۶۱.
- تیموتی، و آلن جی؛ السن، دانیل جی (۱۳۹۲). *گردشگری دین و سفرهای معنوی*. ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی‌فرد. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). *معارف و معاریف*. قم: دارالفکر، ج ۶.
- رضوی‌زاده، ندا (۱۳۹۶). *ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین: آذر ۱۳۹۳ عراق)*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۴)، ص ۵۹۵-۶۳۱.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ آقایی، محمد (۱۳۹۷). *پیاده‌روی اربعین به‌مثابه جنبش اجتماعی*. دانش سیاسی، شماره ۲۷، ص ۱-۲۱.
- فرخی، میثم؛ زینب، انگوتی (۱۳۹۱). *دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین*. *مطالعات راهبردی بسیج*، شماره ۸۵، ص ۲۹-۵۸.
- فروغی، یاسر؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ نبوی، سیدحسین (۱۳۹۹). *مطالعه کیفی انگیزه‌های زائران ایرانی شرکت‌کننده در آیین پیاده‌روی زیارت اربعین*. *دین و ارتباطات*، شماره ۵۷، ص ۴۱۹-۴۵۰.
- فولادی، محمد؛ نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۴). *جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه (بررسی و مقایسه)*. *معرفت‌ادیان*، شماره ۲۵، ص ۷-۲۳.
- قبادی، علیرضا؛ سعیدی، کمال؛ سعیدی، مژگان (۱۳۹۴). *تفسیر اجتماعی فرهنگی امر زیارت در امامزاده‌های شهر تهران*. در: *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت رضوی، مؤسسه آموزش عالی مهر الوند.



- مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۹). فهم تجربه پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین. *علوم اجتماعی*، شماره ۹۱، ص ۱-۳۸.
- کوئن، بروس (۱۳۹۵). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- گیویان، عبدالله (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی اجتماعات دینی*. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم، ج ۱.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶). *دین و نظم طبیعت*. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: نشر نی.
- واخ، یواخیم (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه جمشید آزادگان. تهران: نشر سمت.
- ورشوی، سمیه؛ بهروان، سین؛ صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۷). تجربه پیاده‌روی مقدس (معنای دوگانه معنوی-دنیوی در تجربه سفر پیاده زائران به مشهد در ایام شهادت امام رضا(ع)). *راهبرد فرهنگ*، شماره ۴۱، ص ۱۳۳-۱۶۲.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*. تهران: نشر ثالث.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). *مقدس و نامقدس*. تهران: نشر سروش.
- Bowie, F. (2006). *The Anthropology of Religion*. London: Blakwell.
- Frey, N.L. (1998). *Pilgrim stories: On and off the road to Santiago, journeys along an ancient way in modern Spain*. Univ of California Press.
- Morinis, A. (1992). *Introduction: the territory of anthropology of pilgrimage*. In Alan Morinis (ed.), *Sacred Journeys: the Anthropology of Pilgrims*. Westport, CT and London: Greenwood Press, pp. 1-28.
- Obeyesekere, G. (2014). *Medusa's hair: An essay on personal symbols and religious experience*. University of Chicago Press.
- Preston, J. (2015). Spiritual magnetism: an organizing principle for the study of pilgrimage. *Religion, Pilgrimage, and Tourism*, 1, p. 112-129.
- Turner, V.W. & Turner, E.L. (2011). *Image and pilgrimage in Christian culture*. Columbia University Press.
- Tweed, T.A. (1997). *Our lady of the exile: Diasporic religion at a Cuban Catholic shrine in Miami*. Oxford University Press.